

رسالة شريفة

طريق يقين

— در —

لزوم دين بر متعلمين

— — — — —
* تالیف *

حضرت آية الله حجة الاسلام

آقا سيد حسين آقا عرب باغي

دام ظله

~~~~~  
< چاپخانه آفتاب >

# رسالة شريفه طريق يقين ، دار لزوم دين

## بر متمدن

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي هدانا الى طريق اليقين و ارشدنا الى اتباع الدين

المبين و نهيا عن ملازمة الهوى والظن والتخمين و اوجب

علينا تحصيل العلم بشرايع الدين والصلوة على

رسولنا و على سائر المرسلين الذي جاؤلهداية

الانسان الى النشأتين و على اوصيائهم و خلفائهم

المرشدين الى صلاح الدارين و اللعنة على

منكريهم و مكذبيهم من اهل الارضين

و بعد چنين ميگويد احقر فاني حسين بن نصر الله بن صادق الموسوي عرب باغي  
عفى الله تعالى عنه و عن والديه كه بطريق يقين از برای مردمان لازم و واجب است كه  
دين و آيين بوده باشد و بدون دين زندگاني عموم مردمان در هر زمان بسيار سخت  
و بد و دشوار است و بغير از ملازمة آيين برای انسان چاره و علاجي از برای اعاشه  
و گذران ايشان و خصوصاً ضعفاء و فقراء نخواهد شد و اين مطلب عقلي و وجداني  
وحسي است و نقلی و حدسی نيست كه در آن شك و شبهه باشد و از جهة اين مقصود  
واضح خداوند تعالى از زمان حضرت آدم پدر انسان در هر زمان بپيام آوري فرستاده  
و دين آورده و هميشه دين در ميان مردم بوده و فرستادن بپيام آوران از زمان آدم

تا بزمان حضرت خاتم (ص) بجهت آوردن دین است برای مردمان تا اینکه عموم ایشان آسوده و آسایش و اعاشه و گذران داشته باشند و متممّن و از حیوانات درنده ممتاز شوند چنانکه خداوند در خصوص حضرت آدم فرموده :

« و اذ قال ربّك للملائكة انّی جاعل فی الارض خلیفة » یعنی یاد بکن ای پیغمبر ما آن زمان را که خداوند تو بر ملائکه فرمود که من در روی زمین از جانب خود یک نفر خلیفه قرار میدهم که حضرت آدم باشد .

و در سوره مؤمنین فرموده ثم ارسلنا رسلنا تتری یعنی بعد از آن فرستادیم پیغام آوران خودمان را پی در پی از جهت هدایت مردمان .

و در سوره قصص فرموده و لقد وصلنا لهم القول لعلهم یتذکرون یعنی البته ما از برای مردمان متصل نمودیم ارشاد و هدایت و بیانات پیغام آوران را ، شاید مردمان یاد داشته باشند ، و فرمایشات ایشانرا یاد بگیرند ، و عمل نمایند ، تا اینکه آسایش داشته و آسوده شوند .

و از این آیات واضح شد که از زمان حضرت آدم تا بزمان حضرت خاتم (ص) پیغام آوران در میان مردمان شرق و غرب ، دین و دستور العمل از جانب خداوند آورده ، و ایشان را بدون آیین نگذاشته زیرا که پیغام آوران از جانب خداوند بغیر از دستور العمل نیآورده اند ، و خود سری بمردمان چیزی نمیکویند ، و از جهت صلاح حال آنها و اصلاح معاش و زندگانی عموم آیین آورده اند ، و از برای جمع آوری اسباب اعاشه خودشان نبوده اند ، و مقصودشان عموم مردمان بوده ، و دفع ستم و تعدی از بیچارگان شده است ، و خداوند پیغام آوران اولوالعزم را با آوردن دین یاد کرده چنانکه در سوره شوری فرموده .

شرع لكم من الدّین ما وصّی به نوحاً والذّی اوحینا الیک و ما وصّینا به ابراهیم و موسی و عیسی ان اقیموالدّین ولا تفرّقوا فیه کبر علی المشرکین ما ندعوهم الیه ، الله یحبّ الیه من یشاء ، و یرحم الیه من ینیب و ما تفرّقوا الا من بعد ما جائهم العلم بغیا بینهم .

وحاصل معنای آیه اینست: ای مردمان بیان و روشن فرموده خداوند از برای شما از دین و آیین آنچه را که بحضرت نوح (ص) سفارش و امر کرده، و آنرا که بتوای پیغام آور ما وحی و امر کرده ام در قرآن، و آنچه را که برحضرات ابراهیم و موسی و عیسی سفارش و امر کردم، و آنچه بایشان امر کرده ام این بود که اقامه کنید، و بیای دارید دین را که من بر شما بیان و وحی کرده ام، و پراکنده نشوید و اختلاف نکنید در اصل دین که خدا شناسی و اعتقاد بروز قیامة باشد، و از برای مشرکان و هوای نفس خودشان را خدا قرار دهندگان دشوار و گران است آنچه شما بسوی آن دعوت میکنید مردمان را از دین خداوند، و برگزیده میفرماید خداوند برای دین آنکسی را که میخواهد و هدایت میکند بدین و متدین بودن آنرا که بجانب خداوند از هوای نفس برگردد، و پراکنده نشدند مردمان و از دین اعراض نکردند مگر بعد از دانستن حق بودن دین خداوند که بسوی تو و سائر پیغام آوران فرستاده بودیم و پراکنده شدن مردمان از دین پیغمبران از جهة ستم کاری و تعدی مردمان بوده و از برای هوا پرستی آنها شده نه اینکه ندانسته بودند و یا اینکه دین بآنها ضرر داشته و از این آیه شریفه معلوم شد که حضرات نوح و ابراهیم و موسی و عیسی مثل پیغام آور خانم (ص) و پیغمبر آخر الزمان (ص) دین آورده بودند و همه ایشان با دین آمده اند و برآمة خودشان دین یاد داده اند.

و درسورة بقره فرموده: **و من یرغب عن ملة ابراهیم الا من سفه نفسه** (تا اینکه فرمود) **اذ قال ربّه اسلم قال اسلمت لربّ العالمین ووصی بها ابراهیم بنیه و یعقوب یا بنی ان الله اصطفی لکم الدین فلا تموتن الا و انتم مسلمون** و حاصل ترجمه اینست که کدام کس است که از طریقه و شریعت حضرت ابراهیم اعراض نماید مگر آنکسیکه نفس خود را ذلیل و خوار کند و در میان مردمان باو سفیه بگویند و زمانیکه خداوند بحضرت ابراهیم فرمود بفرمایشات و برامر و حکم خداوند اطاعت کن و در دین او بوده باش عرض کرد اطاعت میکنم و تسلیم شدم بر او امر خداوند عالمیان و حضرت ابراهیم و حضرت یعقوب بر اولاد خودشان سفارش کردند

که ای اولاد ما بدرستی که خداوند از برای شما ها دین برگزیده و آیین قرار داده پس البته شما ها بدون دین از دنیا نروید و تا وقت مردن شما در دین خداوند که فرستاده است بوده باشید و بدین خداوند تسلیم شوید و از خودتان چیزی نگویید و از این آیه واضح شد که حضرت ابراهیم و یعقوب که پدران حضرت موسی و حضرت عیسی بوده اند با اولاد و احفاد خودشان دین خداوند را وصیت و سفارش کرده اند و ایشان را بر دین داری و ادا نمودند و حضرات موسی و عیسی از اولاد ابراهیم و بعد از آن از اولاد یعقوبند و باید ایشان دین داشته باشند چنانکه پدران ایشان داشته و بایشان دین داری را سفارش نموده اند و از این آیات مذکوره معلوم شد که همه پیغام آوران از حضرت آدم تا پیغمبر خاتم (ص) دین آورده اند و مردمان را بدین داری امر کرده اند و خداوند در چندین سوره در قرآن دین را ذکر و یاد فرموده چنانکه در سوره نور میفرماید و لا تاخذکم بهما رافة فی دین الله و در نصر یدخلون فی دین الله افواجا و در توبه و فتح وصف ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و در بقره و یکون الدین لله و در انفال و یکون الدین کله لله و در توبه و یوسف و روم ذالک الدین القیم و در نحل و له الدین واصباً و در زمر الا لله الدین الخالص و در اعراف و یونس و عنکبوت و لقمان و مؤمن و بیته مخلصین له الدین و در زمر مخلصاً له الدین و در ذاریات و ان الدین لواقع و در بقره لا اکراه فی الدین و در انفال و ان استنصروکم فی الدین و در توبه و احزاب فاخوانکم فی الدین و در توبه لیطلقوها فی الدین و در حج و ما جعل علیکم فی الدین من حرج و در ممتحنه عن الذین قاتلوکم فی الدین و ابضاً عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین و در یونس و ان اقم وجهک للدین حنیفاً و در روم فاقم وجهک للدین و ابضاً فاقم وجهک للدین القیم و در انعام دیناً قیماً ملة ابراهیم حنیفاً و در آل عمران و لا تؤمنوا الا لمن تبع دینکم و در کافرون لکم دینکم ولی هین و در حجرات قل اعلمون الله بدینکم و در نساء و ما تلهوا فی دینکم و در بقره و من یرتد منکم عن دینه و در مائده و من یرتد منکم عن دینه

و در نساء و اخلصو دینهم لله و در انعام و ذر الذین اتخذوا دینهم لعباً و در نور  
 یومئذ یوفیهم الله دینهم الحق و ایضاً و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم  
 و در زمر قل الله اعبد مخلصاً له دینی و در یونس ان کنتم فی شک من دینی  
 و در بینة و ذالک دین القیمة و ایضاً خداوند تعالی در چندین سوره اشخاص بی دین  
 را و تغییر دهندگان دین را مذمت و ملامت کرده چنانکه در سوره توبه میفرماید  
 در بارة کافران و منافقان و لا یدینون دین الحق و در آل عمران افغیر دین الله  
 یغفون و در ارایت ارایت الذی یکذب بالذین و در انفطار کلاً بل تکذبون بالذین  
 و در نساء لیا بالسنتهم و طعننا فی الذین و در مائده اتخذوا دینهم هزواً و در بقره  
 حتی یردوکم عن دینکم و در توبه و طعنوا فی دینکم و در مائده الیوم ینس الذین  
 کفرو من دینکم و در انعام و لیلبسوا علیهم دینهم و ایضاً ان الذین فرقوا دینهم  
 و ایضاً غیر هولاء دینهم و در اعراف الذین اتخذوا دینهم لهواً و در روم من الذین  
 فرقوا دینهم و در آل عمران و غرهم فی دینهم

و در این پانزده آیات شریفه بی دین بودن را و طعن کنندگان در دین را  
 و در دین بدون مبالات شدن را در نهایت مذمت کرده چنانکه در جهل و شش آیات  
 سابقه اهل دین را و در دین راست شدگان و دینداران را مدح و تعریف فرموده و کسیکه  
 دین نداشته باشد و بی دین باشد البته بضالت و هلاکت و برافراط و تفريط واقع  
 میشود چنانکه خداوند در چندین سوره تابع شدن هوی را مذمت کرده و او را  
 بضالت نسبت داده .

و در سوره ص فرموده و لا تتبع الهوی فیضلك و در نساء فلا تتبعوا الهوی  
 ان تعدلوا و در اعراف و لکنه اخلد الی الارض و اتبع هویه و در کهف و اتبع  
 هویه و کان امره فرطاً و در طه و اتبع هویه فتردی و در فرقان ارایت من اتخذ  
 الهه هویه و در جائیه ارایت من اتخذ الهه هویه و در قصص و من اضل ممن  
 اتبع هویه بغیر هدی من الله

و در این هشت آیات شریفه خداوند تابع شدن هوای نفس را مذمت کرده

و شخص هوی پرست را بضالات و افراط منسوب نموده و او را دیندار قرار نداده ، و بردین و دینداری نسبت نکرده و هوای نفس با دین منافات دارد و دین و خداوند و پیغمبر شناسی باهوی پرستی ضد است بعلمت اینکه خداوند و پیغام آوران او چیزی میگویند ، و دین قرار داده اند و هوای نفس هر کس چیزی خواهش میکند ، و دین صلاح عموم مردمان را قرار میدهد ، و هوای نفس هر کس چیزی میخواهد و دین آورندگان از پیغمبران از جانب خداوند اصلاح زندگانی همه مردمان را میگویند .

و خواهش نفس هر شخصی اسباب شهوت خود را میطلبد و در زندگانی دیگران نظر ندارد و دین میگوید که مردمان برادر باشند و کسی بدیگری برتری نکند و خواهش نفس میگوید باید من از همه بالاتر باشم و دین میگوید که آرایش بیرون فقط کفایت نمیکند آرایش درون هم لازم است و نفس میگوید ظاهر لازم است و باطن لازم نیست دین میگوید هر کس نیکو کار تر بهتر و خواهش نفس میگوید نیکوئی بدیگران لازم نیست و خواهش نفس خودم نیکو است و دین میگوید در داد و ستد و عمل کردن خود باید نفع و ضرر دیگران را ملاحظه نمود ، و نفس میگوید نفع خود را بر ضرر دیگران مقدم باید کرد ، و دین میگوید باید دستگیری بیچارگان و خویشان را نمود ، و نفس میگوید بدیگران کاری ندارم ، دین میگوید توانگران باید غم بیچیزان را داشته باشند ، و نفس میگوید غم دیگران لازم نیست ، و دین میگوید باید فقرا صبر بکنند ، و طمع در مال اغنیاء نمایند ، و نفس میگوید چرا صاحب ثروت مال زیاده داشته باشد ، و دین میگوید باید کسی دزدی و دغل کاری نکند ، و نفس میگوید باید از هر جائیکه مال بردست کسی افتاد زود بردارد و عار نکند ، و دین میگوید باید انسان از حیوان امتیاز داشته باشد ، و بغیر از خوردن و خواب کردن و کامرانی نمودن کارهای دیگر است که بر مردمان بجا آوردن آنها نیز لازم و نباید انسان مثل درندگان باشد ، و اذیت بدیگران نماید ، و خواهش نفس میگوید بغیر از کام جستن چیزی نیست هر چندیکه با آزار مردمان گردد ، و دین میگوید خداوند است و معاد و بغیر از دنیا آخرت است ، و جزای کارهای خوب

و بد است در دار آخرت و بعد از مردن ، نفس میگوید هرچه هست در دنیا است و خدا خواهش نفس است ، و دین میگوید درستی و راستی و دستگیری از ضعیفان لازم است ، و فریب دادن و دروغ گفتن و از مال و جان و عرض و ناموس دیگران دست کوتاه کردن و آنچه برای خودت میخواستی بدیگری نیز بخواهی ، و آنچه برای خود نپسندی بدیگران روا نداری و چشم و طمع بمال و حال کسان غیر از خودت نباشد و خواهش نفس میگوید آنچه بتوانی بدست بیار هرچندیکه از دیگران باشد و با آزار مردمان حاصل شود .

و همه این جنگها و آدم کشی ها و غارتها و خون ریزیها از برای خواهش نفس است ، و این فتنه و فساد و عناد در بلاد از هوای نفس شده ، و دین اذیت و آزار را از میان برداشته و همه را برادر گفته و بهمدیگر مهربان کرده و بنی نوع بشر را یکسان و اخوان نموده و مثل درندگان و جانوران بجهان یکدیگر نینداخته و اگر این فسادها و عنادها و جنگها و جدالها و غارتها که از خواهش نفس است نباشد جهان و جهانیان و انسان و بلکه هر حیوان آسوده میشود ، و آسایش و آرامی و خوشحالی و خوب گذرانی خواهد دید ، و این آسودگی بغیر از دین داری و پارسائی و درستکاری نخواهد شد ، و مادامیکه مردمان و جهانیان بدین پیغام آوران و بآیین ایشان اعتقاد نکنند و عمل نمایند از قتل و غارت و آدم کشی و نادرستی خلاص نمیشوند و از این فتنه ها و فسادها آسوده نخواهند شد .

و تا وقتیکه خواهش نفس را و دل خواه خودشان را دین و آیین و خدا و پیغمبر خود قرار بدهند روز بروز فتنه و فساد و لجاج و عناد در بلاد و ولایتهای زیاد خواهد شد و مردمان از جان و مال و عرض و ناموس یکدیگر خاطر جمع نخواهند بود و خیانت و خسارت بهمدیگر بسیار خواهد گشت و امانت و دیانت و درستی و راستی و صداقت و رفاقت و برادری و برابری از میان مردمان گریزان خواهد شد و علاج دردها و دواء این بیماریها دین داری و خدا پرستی و از هوای نفس گذشتن و بخواهش نفس اقدام نکردن و از کار درندگان دوری نمودن و بفرمایش پیغام



آوران انقیاد کردن و مطیع امر ایشان بودن است و این رنجها و تلاش ها و این خوفها و اندوهها و غمها و غصه ها و گفتگوها و جنگها و بدیها و زشت کاری ها از جهت خواهشات نفس است و هوای نفس را ستایش کردن و خداوند و روز جزاء را فراموش نمودن است و دین را از دست دادن و از آن بیخبر بودن و تابع هوی پرستان شدن است، و سخنان بیدینان را باور کردن و دروغ آنها را راست خیال نمودن، و فریب آن ها را خوردن و از جزاء اعمال غفلت کردن است و چونکه دین جمع کننده همه خوبی ها و منع نماینده از تمامی زشتی ها و بد کاریها است.

پس باید دین را از دست نداده و دین داری را رها نکرده و آنرا شغل مهم و بر جمیع کارها مقدم نمود.

و در آن زمان که در روی زمین بر قرار بوده و در وقت پیغمبران (ع) شیوع داشته و مردمان در ایران و فرنگستان متدین بودند راستی و درستی و مهربانی و ضعیف نوازی و اعانت و صداقت و رفاقت زیادتر بوده است و دروغ و دغلیکاری و فتنه و فساد و عناد در بلاد و قتل و غارت و دزدی و آدم فریبی اندک و کمتر بود، و در اشخاص دیندار و در مردمان تقوی شعار دروغ و فریب و سرقت و غارت و خود پرستی و شهوت رانی و بیرون سازی و اندرون خرابی نبود، و شخص با دین و آدم دیندار وطن دوست و مملکت خواه و شاه پرست میشود، زیرا که شاه رفع فتنه و فساد و رفع عناد از بلاد میکند، و جلو گیری از ظلم و عدوان و طرف داری از مظلومان و ضعیفان مینماید، و از این جهت حضرت پیغمبر (ص) ما مسلمانان فرموده «السلطان ظل الله فی الارض یاوی الیه کل مظلوم».

چنانکه سعید بن هبة الله راوندی در کتاب ضیاء الشهاب از آنحضرت روایت کرده و معنای حدیث شریف اینست که: پادشاه در زمین سایه بلند پایه خداوند است که هر مظلوم باو پناه میبرد یعنی چنانکه همه مردمان در گرمای آفتاب بر سایه پناه میبرند و از شدت گرما نجات مییابند، همچنین مظلومان بر پادشاه مملکت از شر ظالمان و غارتگران و ظلم و عدوان کنندگان پناه میبرند، و از فتنه و فساد ایشان

در امن و امان میشوند .

و البته دوست داشتن این شاه و اطاعت این پادشاه از احکام مهم دین است و از جمله واجبات مسلمانان است و شخص دیندار و مرد تقوی مدار شاه پرستی را برای خود شعار میکند و باو دوستدار میشود و کسیکه دیندار نباشد و هوی پرست شود و شهوت ران باشد و مقصود او نفس خود گردد و خواهش نفس را بر دین مقدم کند ، و سود خودش را بزیان دیگران بر گزیند و آرزوی او جمع کردن مال از راه دزدی و دغلمکاری و فریب سازی باشد پس آنکس چه کاری بوطن و مملکت خواهی و شاه دوستی دارد؟ و شاه را چگونه دوست میدارد ، و بلکه او در واقع دشمن شاه و بد خواه شاه است ، زیرا که شاه از اعمال او جلوگیری میکند و او را بخیال خودش نمیگذارد و از ظلم و فریب او منع مینماید ، و طرفدار مظلومین و عاجزین میشود .

پس واضح شد که شخص با دین شاه دوست و وطن خواه و نوع دوست است و کس بدون دین و شهوت ران و نفس پرست شاه دوست نمیشود و دشمن شاه است و وطن خواه نیست و بنا بر این باید اولیاء دولت و رؤساء ملت مردمان را بدین - داری ترغیب نمایند و جلوگیری از بی دینی کنند و دین را در مملکت رواج بدهند و هوی پرستی و شهوت رانی را از مردمان منع و زجر بکنند ، تا اینکه همه ایشان شاه دوست باشند و شاه را ظل الله بدانند و کسی که بر ورق و عرق و مسکرات و منهیات مشغول شود و بر ناموس و عرض دیگران دست درازی کند آنکس بپادشاه قیام میکند ، زیرا که شاه همیشه بحفظ عرض و ناموس مردمان اقدام مینماید ، و شاه را سایه خداوند نمیداند ، و بحديث حضرت پیغمبر آخر الزمان (ص) عمل و اعتقاد نمیکند ، و عمل و رفتار او بر هوای نفس خود است ، و بر کام جستن خودش خواهد شد ، و اگر آن کس بگوید که من شاه را دوست دارم دروغ گفته و فریب داده .

و مثل او مثل بعضی از عالم نمایان است که در ظاهر ریش و عمامه و نعلین و رداء و قبا و عبا و عصا دارد ، و در باطن دیندار و خوش رفتار و گفتار نیست ، و

ضرر و بشرع انور زیاد تر و دروغ او بیشتر است و آدم فریب و دزد عجیب و غریب است و دوست و دشمن دین و شاه از رفتار و کردار شخص معلوم میشود نه با قول و گفتار یقولون بالسنههم ما لیس فی قلوبهم که کار منافقان و عمل تزویر کنندگان است و در ظاهر دوست و در باطن دشمن دین و شاه است .

پس معلوم شد که شخص دیندار شاه دوست و شاه رفتار و وطن خواه میشود از جهة حدیث حضرت پیغمبر (ص) که السُّلطان ظلُّ اللهِ فی الارض و حدیث حب الوطن من الایمان و مرد هوی پرست و شراب دوست نمیداند وطن چیست ؟ و شاه کیست و شخص دیندار با شاه یکدل و یکجهت و ترقی خواه میشود و کس بی دین با ورق و عرق یکدل و مشغول میگردد و هر قدر اشخاص با دین در مملکت زیاد تر باشند شاه دوست بیشتر و راستی و درستی و وطن دوستی بسیار می شود ، و قتل و غارت و دزدی و آدم فریبی اندک و زحمت پادشاه کمتر میگردد ، و شاه از امورات داخله فارغ و مشغول ترتیب امور خارجه میشود ، و روز بروز ترقی و تعالی مملکت و دولت و ملت زیاده و ارزانی و فراوانی بیشتر و مردمان در آسایش و مشغول صنایع ، و اخراج معادن ، و درست کردن کارخانجات از هر قبیل میشود ، و مخارج اندک و دخل زیاد تر و نظمیه و امنیه در ولایات کمتر و اولیاء امور آسوده میگردد ، و زراعت و فلاحت بیشتر ترقی میکند ، و شخص دیندار مشغول تحصیل معاش خود میشود ، بدون دزدی و آدم فریبی و اذیت و زحمت بدیگران و در این فرض از برای او امنیه و نظمیه لازم نمیشود و بلکه او حفظ قانون دولت را میکند و بر ملت خیر خواهی و مهربانی مینماید و این نظمیه و امنیه و بلکه اغلب ادارات لشگری و کشوری از جهة بی دین بودن اکثر مردمان است .

پس در مملکت هر دولت دین لازم است و لزوم دین مثل قشون است و بدون قشون چنانکه ولایات آسوده نمیشود و بدون دین نیز در ممالک آسایش فراهم نخواهد شد و در سر هر کسی یکنفر از افراد نظمیه و امنیه ممکن نمیشود ، و دینداری از برای مردمان مثل یکنفر نظمیه و امنیه است و بلکه دین از آنها زیادتر مانع است از اعمال شیعه و افعال قبیحه .

و در هر جائی که اشخاص دیندار و دین شیوع دارد نظمی در آن جا کمتر و اولیاء و ادارات دولت آسوده است و دزدی و شرارت و قتل و غارت اندک است. و در هر مملکت که بیدینی زیاد تر و آشکار است ادارات دولتی در آن جا زیاد در زحمت و مشقت است و جلوگیری از ظلم و تعدی و آدم فریبی مشکل است و چونکه معلوم شد با شصت و یک آیات سابقه که خداوند بواسطه پیغمبران (ص) بمردمان دین فرستاده، و اشخاص بی دین را مذمت کرده و آنها را بر هوی پرستی و خواهشات نفسانی نسبت داده، پس باید دانسته شود که دین را خداوند تعالی تعیین میکند و دین بادستور العمل خداوند میشود.

و خداوند در این زمان دین را تعیین فرموده چنانکه در سوره آل عمران می فرماید: *ان الدین عند الله الاسلام وما اختلف الذين اوتوا الكتاب الا من بعد ما جاءهم العلم بغية بينهم و من يكفر بايات الله فان الله سريع الحساب* یعنی بدرستی که دین حق در نزد خداوند دین اسلام است و اختلاف نکردند اهل کتاب از یهودیان و مسیحیان در حق بودن دین اسلام و اعراض نمودند از آن مگر بعد از آمدن علم برای آنها بر حق شدن پیغمبر آخر الزمان (ص) و این اعراض آنها از جهة بغی و ظلم و ستم آنها بود که در میان خودشان فراهم کردند و بر آیات خداوند کافر شدند و هر که بر آیات خداوند کافر شود و معجزات با هرات رسول او را قبول نکند پس خداوند بزودی حساب او را خواهد کرد و جزاء انکار او را حق خواهد داد.

و ایضاً در آن سوره فرمود: *و من یتغ غیر الاسلام دیناً فلن یقبل منه وهو فی الآخرة من الخاسرین* یعنی هر که بغیر از دین اسلام از برای خود طلب دین نماید پس هرگز از او قبول نمیشود و علاوه بر این آنکس در روز جزاء از جمله زیان کاران خواهد شد.

و در سوره نساء فرموده و *من احسن دیناً ممن اسلم وجهه لله و هو محسن و اتبع مله ابراهیم حنیفاً* یعنی دین کدام کسی خوب تر است؟ دین آنکسیکه روی قلب خود را بخداوند بگرداند و اسلام واقعی داشته باشد و در حالتی که بعد

از اسلام آوردن نیکو کار باشد و بر ملة حضرت ابراهیم تابع شود که دین او خنیف بوده و از باطل بحق میل کرده بود و از هوی پرستی اعراض نموده بود .

و در سوره مائده میفرماید **اليوم اكملت لكم دينكم واتممت عليكم نعمتي و رضيت لكم الاسلام دينا** حاصل ترجمه اینست که امروز که روز غدیر خم است دین شما را کامل نمودم و نعمت خود را در حق شما تمام کردم و راضی شدم بر دین شما که دین اسلام است و در این چهار آیات خداوند تعالی دین خود را منحصر فرموده بدین اسلام و بغير از دین اسلام دین دیگر را قبول نکرده و دین غیر از اسلام را به خسران و زیان کاران نسبت داده .

و حضرت امیرالمؤمنین (ع) در خطبه نهج البلاغه فرموده **المسلم من سلم المسلمون من لسانه ويده الا بالحق ولا يحل اذى المسلم الا بما يجب باذنه امر العامة** یعنی مسلمان آنکس است که سائر مسلمانان از زبان و دست او در سلامتی باشند و بر کسی آزار و اذیت نکند و بازبان و دست خود بر هیچکس ضرر نرساند مگر بحقانيت و حق بودن اذیت در حق کسی و حلال نیست آزار مسلمان مگر این که واجب شود آزار کردن بر او از جهة ظلم و تعدی و تجاوز او بحق کسی و بشتابید بر بجا آوردن اموراتیکه صلاح همه مردمان در آنست و مصلحة آن بعموم راجع است نه بر شخص هر یکی از شماها .

و در خطبه دیگر فرموده : **و كان من نفسه في شغل والناس منه في راحة** یعنی مسلمان آن کس است که نفس خود را در يك شغلی و زحمتی وادار بکند و مردمان بسبب او در راحة باشند یعنی همه منافع کارهای او راجع بخودش نباشد و بلکه سائر مردمان از افعال او در راحة بشوند و همه کارهای او از جهة شهوترانی و هوای نفس پرستی نباشد .

و آن حضرت در این چند کلمه اصل اسلام را و مسلمان واقعی را بیان فرموده اند .

و در کتاب شهاب از حضرت پیغمبر (ص) روایت کرده که فرموده : **كيف يكون**

مؤمناً والناس لا یؤمنون شرک؟ و کیف تكون مسلماً و الناس لا یسلمون من شرک؟ و کیف تكون متقیاً و الناس یتقون اذاک؟ یعنی چگونه با ایمان میشوی و حال اینکه مردمان از شر تو خاطر جمع نمیشوند؟ و چطور تو مسلمان میشوی درحالی که از شر تو سائر مسلمانان در سلامت نمیباشند؟ و چه سان پرهیز کاری در صورتی که مردمان از اذیت و آزار تو پرهیز میکنند «المؤمن من امن جاره بوائمه» یعنی شخص خداوند شناس و با ایمان آنکس است که همسایگان او از آزار و اذیت او خاطر جمع باشند.

و فرمود سه خصلت است که هر کس با آنها بخداوند ملاقات نماید پس آن کس از افضل مردمان خواهد بود.  
اول کسی که واجبات خداوند را بجا آورد از عبادت کنندگان است.  
دویم هر که پرهیز کند از حرامهای خداوند پس ورع او زیاد تر از همه است.

وسیم هر که قناعت بکند بر آنچه از حلال خداوند باوداده پس او از غنی ترین مردمان است.

و سه خصلت از بهترین اخلاق است در دنیا و در آخرت.

۱- عفو کردن از کسی که بر تو ظلم کرده.

۲- صلّه نمودن بر کسیکه از تو قطع صلّه نموده.

۳- حکم کردن بر کسی که بر تو جهل کرده.

و سه خصلت از حقیقت ایمان است.

۱- فقرا را بر خود مقدم کردن.

۲- با مردمان با انصاف رفتار نمودن.

۳- علم خود را بر دیگران یاد دادن و آقایان مردمان در دنیا سخاوت

کنند گانند و در آخرت پرهیز کاران اند، و صلّه ارحام بکنید هر چندی که بسلام دادن باشد، و صلّه ارحام و حسن خلق ایمان را زیادتر میکند، و صلّه ارحام و خوبی

بر همسایگان مال شخص را بسیار مینماید، عذاله کردن يك ساعت در میان مردمان  
خوبتر است از عبادت هفتاد سال، و شما بحسن خلق باشید و حسن خلق لامحاله  
در جنت است، و بد خلق نباشید و شخص بد خلق لامحاله در دوزخ است، و تعجب  
میکم از کسی که تکبر و کبربائی میکند و حال آنکه دو مرتبه از بول گاه پدر  
و مادرش بیرون شده و حق را بگوئید هر چندی که ضرر شما در آن باشد و بشاش  
باشید، و خداوند بشاش را دوست میدارد و عبوس نباشید که خداوند او را دشمن  
دارد، و مردی که زن امورات او را تدبیر میکند ملعون است، و چنانکه بمردمان جزاء  
میدهید جزاء داده میشود، و اگر يك کوه بر کوه دیگر تعدی کند خداوند تعدی کننده را  
خراب میکند، و ازمن نیست کسیکه فریب بدهد، و ازمن نیست کسی که مسکر بخورد  
و مسکرات اصل جمیع زشتی ها است، و اساس تمامی گناهان است، و اگر اصل  
آسمان و زمین در قتل یک نفر مؤمن شريك باشند، خداوند همه آنها را بدوزخ می  
برد، و هر که بظلم ظالم اعانت نماید خداوند آن ظالم را باو مسلط میکند و هر  
که عمل یک قوم را دوست بدارد آنکس در عمل آنها شريك است در خیر و شر و  
هر که يك بنای خیر بگذارد اجر آن و اجر عمل کننده آن باو میرسد، و هر که يك  
اساس بد بگذارد جزاء آن و جزاء آنکه بآن عمل میکند باو خواهد شد، و هر  
که بقرض دار فقیر خود مهلت بدهد از برای هر روز او خداوند نواب صدقه میدهد  
و هر که را کارهای خوب او شاد نماید و کارهای بد او غمگین بکند آنکس خداوند  
شناس است، و هر که عیال خود را ضایع بگذارد، و مهمل شود ملعون است، نظر  
کردن مؤمن بروی برادر مؤمن خود با دوستی و مهربانی عبادت است، و جهالت  
فقر با شدت است، و هیچکس دیگری را از جای او بلند نکنند از برای نشستن  
خودش، و عیوب مردمان را جستجو نکنید، و خوبی های ایشان را جستجو ننمایید  
و مال دنیا در نزد کسی جمع نمیشود مگر با پنج خصلت بد، بخل با شدت، و طول  
آرزوی، و قطع رحم، و زحمت زیاده، و مقدم داشتن دنیا بر آخرت، و در معصیت  
خالق برای مخلوق اطاعت نیست، و حلال نیست قهر کردن مؤمن از برادر مؤمن

خود زیاده‌تر از سه روز، و هر که زودتر آشتی کند اول او داخل جنت میشود، و بغالت و ایمان در قلب مؤمن جمع نمیشود، و در حرام شفاء نیست، و حلال نیست مال مسلمان مگر با رضای قلب او، و ایمان ندارد کسی که امانت ندارد، و دین ندارد آنکه بر عهد واجب خود وفاء نکند، و خیانت مکن بکسی که بتو خیانت کرده، زیرا که تو مثل او خواهی شد، و هم مجلس نشوید با شراب خواران زیرا که لعنت خداوند وقتی که نازل میشود همه اهل مجلس را میگیرد، و هیچ مال با فائده‌تر از عقل نیست، و رستکار نمیشوند آن قومی که زن بآن هارمیس شود، و حضرت امیرالمؤمنین (ع) را دوست نمیدارد مگر آن کسی که ولادت او از نطفه حلال باشد، و عزت مؤمن غنی بودن او است از مردمان، و بعهده شخص است آنچه از مردمان اخذ کرده تا اینکه اداء نماید، و از برای هر جگر سوخته شده اجر است و بدترین خلق آنکس است که آخرت را بدنیافروشد، و بدتر از او آنکس است که آخرت خود را بدنیای دیگری بفروشد، و راحت شدن انسان در حفظ کردن زبان است، و دوستی دنیا سر هر خطاء است، و اگر همه گناهان در يك خانه باشد کلید آنها سکران است، و یاد کردن قسم دروغ و لایاترا خرابه میگذارد، و صدقه دادن دفع میکند مردن بد را، و صدقه ده حسنه دارد و قرض دادن هجده حسنه دارد، و زحمت کشیدن در کسب حلال برای عیال خود مثل جهاد کردن است در راه خداوند، و عبادت بدون بصیرت مثل راه رفتن است در غیر راه، و عالم آنکس است که فعل او قول او را تصدیق بکند، و احمق آنکس است که نفس او تابع هوای او باشد، و از خداوند آرزو بکند، و آورنده غلات بولایت روزی داده میشود، و احتکار و حبس کننده غلات ملعون است، و جنت در زیر قدم مادران است، و صلح و آشتی کردن در میان مسلمانان جایز است، مگر آن صلحی که حلال کند حرام را و یا حرام نماید حلال را، و عاق والدین و شخصی دیوث بوی جنت را استشمام نمیکند و اجرت اجیر را قبل از خشک شدن عرق پیشانی او بدهید، و محبوب‌ترین شما بر خداوند تعالی خوب‌ترین شما است از جهت اخلاق، و بدترین شما در نزد خداوند



سخن چین شما است، و افضل اعمال با زیاده بودن زحمت آنست، و از برای دنیا چنان کار بکن در محکمی و درستی که گویا تو در دنیا همیشه خواهی بود، و از برای آخرت چنان کار بکن که فردا خواهی وفات کرد، و خوبی های مردگان را یاد بکنید، و زمانی که روزه باشید گوش و چشم و زبان شما روزه داشته باشد، و نه جزو روزی در تجارت کردن است، و سه چیز قلب را با قساوت میکند شنیدن لهو و خوانندگی، و شکار کردن، و رفتن بدر خانه امراه بدون حاجت مؤمن، و رفتن بجهت باکراه کردن نفس است باعمال خیر، و رفتن بدوزخ با بیجا آوردن خواهشات نفس میشود، و اموال خود را با دادن زکوة حفظ بکنید، و ترك بکنید آنچه را که شمارا بشك آورد، بجای آورد آنچه را که در آن شك نیست، و امانت را رد بکن بآن کسیکه بتو داده است، و خیانت مکن بکسیکه بتو خیانت کرده، سر عقل با محبت رفتار کردن است با مردمان، و آقای قوم خدمت کار ایشان است، و دو صنف از امت من اگر صالح شوند جمیع مردمان صالح میشوند، و اگر فاسد باشند تمامی ایشان فاسد خواهند شد، یکی علما، و دیگر امراه، و نظر کردن بعورت مؤمن حرام است از برای مؤمن، و عذاب قبر از جهت سخن چینی و غیبت و دروغ گفتن میشود، و غیرت مرد ایمان است، و غیرت زن کفر است، و بگریز از شخص جذام دار چنانکه از شیر میگریزی، و هر که در قرآن بدون علم بمعنای آن چیزی بگوید جای خود را در دوزخ اخذ بکند، و هر که بدون علم فتوی بدهد ملائکه آسمان و زمین باو لعنت میکنند، و هر که تحصیل علم نماید از جهة مباحات بر سفاهت و یا مجادله بعلماء و یا از برای دعوت مردمان بخودش پس او از اهل دوزخ است، و هلاکت شخص در سه چیز است، در شکم، و در فرج، و در زبان او است، و هلاک میشود کسیکه قدر خود را نداند، و از حد خود تجاوز بکند، و شخص پیر میشود و در او دو خصلت جوان میشود، یکی حریص شدن بجمع کردن مال، و دیگری درازی آرزوی او، و ترك بکن سؤال کردن را از مردمان زیرا که سؤال کردن ذلتی است حاضر، و فقری است عجله کننده، و حساب طولانی است در قیامت، و عملها

تابع یتیم میشود، و مجالس امانت است، و مستشار امین است، و توبه عبارت است از پشیمانی و جماعت رحمت، و افتراق عذاب است و کرامت شخص با تقوی است و قرض کردن عار است، و تدبیر امور از زندگی نصف عیش است، و غمگین بودن نصف پیر شدن است، و برکت با پیران شما است، و ظلم کردن ظلمات میشود در روز قیامت، و جنّت در جهاد و دفاع کردن است، و سلام گفتن تحیّه ملت اسلام است، و ای بکسیکه خیر خود را بعیال خود بگذارد، و شرش را بخداوند ببرد، و هر چیزیکه از برای خداوند داده شود صدقه است، و هر گفتار خوب صدقه است، و خوبی اسلام شخص ترک کردن فعل و قول بدون فائده است، و هر که تواضع بکند خداوند او را بلند میکند، و هر که تکبر نماید خداوند او را خوار میکند و هر که در حفظ مال خود و یا عیال و یا دین خود کشته شود پس آنکس شهید است، و هر که در اعمال خوب کوتاهی بکند نسب او فائده نمیکند. پناه.

و اینها از جمله فرمایشات حضرت پیغمبر (ص) ما است که در مکارم اخلاق فرموده و در حدیث بسیار معتبر فرموده که: من مبعوث شدم از جهت تمام کردن مکارم اخلاق، یعنی پیغمبران سابق هر چه بیان کرده اند خوب و باقی را من بیان میکنم، و تمام خواهم کرد، و در واقع دین اسلام مکارم اخلاق است و در این دین چیزی فرو گذار از مکارم اخلاق نشده است، و هر که میخواهد اخلاق او خوب باشد و در میان مردمان بخوبی شناخته شود اسلام خوب داشته باشد، و باحکام اسلام عمل او زیادتر گردد، و هر که بخواهد که باشخص خوش اخلاق رفیق شود و یا با او وصلت بکند و یا شرکت نماید، و یا هم مجلس و یا هم سفر بشود، باید او بکنفر مسلمان واقعی پیدا کند، نه غیر مسلمان، و مسلمان عمل کننده باحکام اسلام یابد، زیرا که در هر که عمل باحکام اسلام زیادتر باشد آنکس خوب اخلاق تر و بهتر خواهد شد در هر دین که بوده باشد، و هر که شده، از عالم و سید و خان و کداه و تاجر و عمله و هر که عمل او بدین اسلام کمتر شود، خلق او و رفتار و گفتار او بد خواهد شد و هر که هیچوقت بر احکام اسلام عمل نکند اعمال و افعال و اقوال او بد تر و زشت تر

خواهد شد، هر کس باشد، و در هر دین شود، و بر هر چه اعتقاد و عمل بکند و یا نکند و از آنکس باید اجتناب نمود، و او را وحشی دانست، و از تمدن دور کرد، چه ایرانی باشد و یا اروپایی شود، و تمدن و اخلاق خوب و رفتار مرغوب در کلمات و فرمایشات قصار حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله استکه از آن ها جمله ذکر شد.

و مثل کلمات آنحضرت است فرمایشات قصار حضرت امیرالمؤمنین (ع) که سنی و شیعی از آن بزرگوار روایت کرده اند از آنجمله فرموده.

خوبترین ثروت عقل است، و بزرگترین فقر حماقت است، و بدترین وحشت خود پسندی است، بهترین حسب حسن خاق است، و دوری بکن از رفاقت کردن با احمق، زیرا که او اراده میکند که بتو نفع رساند پس ضرر میرساند، و دوری نما از صداقت نمودن با بخیل، زیرا که او در وقت احتیاج تو از تو اعراض میکند، و دور شو از رفاقت فاجر و بیدین، زیرا که او ترا بچیزی حقیر میفروشد، و دور باش از صداقت کردن با دروغگو، زیرا که او مثل سراب استکه دور از نزدیک و نزدیک را دور نشان میدهد.

و فرموده شما را وصیت میکنم بر پنج چیزیکه اگر در طلب آنها سوار شتر بشوید و بگردید لیاقت دارد و امیدوار نشود البته کسی در کار های خود مگر بخداوند و کسی ترسد مگر از گناه خود و البته کسی حیاء نکند زمانیکه ستوال شود از او از آنچه نمیداند بگوید من نمیدانم، و البته حیاء نماید از یاد گرفتن چیزیکه نمیداند آنرا، و بر شما باد صبر کردن زیرا که صبر از ایمان مثل سر است از جسد، و در جسد فائده نیست بدون سرش، و در ایمان خیر نیست بدون صبر کردن.

و فرموده تعجب دارم از بخیل عیش میکند در دنیا مثل فقراء و حساب میدهد در آخرت حساب اغنیاء، فقرا را از برای خودش حاضر میکند و حال اینکه از آن گریزان بود و فوت میشود از او غنی بودن که آنرا طلب میکرد، و تعجب دارم از متکبر که دیروز نطفه گندیده بود و فردا جیفه گندیده خواهد شد و تعجب میکنم

از کسیکه در وجود خداوند شك میکند و حال اینکه او مخلوقات خداوند را میبیند و تعجب دارم از کسیکه مرگ را فراموش میکند و حال اینکه مردگان را دیده است و تعجب میکنم از کسیکه نشانه آخرت را انکار میکند و حال اینکه نشانه دنیا را دیده و تعجب دارم از کسیکه دار فنا را آباد میکند و دار بقاء را ترك میکند و بجای فرموده ای جابر بر پاشدن دنیا و دین با چهار کس است عالمیکه علم خود را استعمال بکند و جاهلیکه از یاد گرفتن گردنکشی نکند و مال داریکه باحسان کردن بقراء بخل ننماید، و فقیریکه دین را بدنیا نفرشد، و زمانیکه عالم خود را ضایع نماید جاهل نیز عار میکند از یاد گرفتن، و وقتیکه غنی بخل کند از احسان کردن، فقیر دین را بدنیا میفرشد، و هر کسیکه ثروت او زیادتر شود، حاجت مردمان باو زیاد میشود، و کسیکه قیام نماید بادا کردن آنچه خداوند بر او واجب کرده، نعمت و ثروت او دوام میکند، و اگر واجبات ثروت را ضایع بکند نعمت او زایل میشود. و فرموده قیمت هر کس آنچه استکه آن را خوب میکند، از قول و فعل و رفتار و گفتار، و هلاک نمیشود آنکه قدر خود را بشناسد، و شخص در زیر زبان خود مخفی است، و بعد از گفتن ظاهر میشود، و منت بگزار بر هر که میخواهی تا آقای او باشی، و محتاج شو بر هر کسیکه خواهی تا اسیر او باشی، و غنی باش از هر که باشد تا اینکه مثل او بوده باشی.

و حجاج ثقفی بر چهار نفر از علماء و فضلاء اهل سنت نوشت که حسن بصری و اصل بن عطاء و عامر شعبی و عمرو بن عبید باشند، و از قضاء و قدر استوال کرد، و یکی در جواب نوشته که نمیدانم در این مسئله مگر آنچه را که حضرت امیرالمؤمنین فرموده که: آیا گمان میکنی آن خداوند را که ترا نهی کرده و بعد از آن ترا اغواء نماید؟، نه چنین است بلکه ترا بر کارهای بد و زشت اغواء کرده تورا بالای تو و پایین تو و خداوند از آنها بری است.

و دیگری نوشت آنحضرت فرموده که اگر معصیت و کار زشت حتم باشد پس

عذاب کردن خداوند بر آن ظلم میشود و خداوند ظلم نمیکند.

و دیگری نوشت که آن حضرت فرموده: بر هر کاریکه بخداوند حمد و ثناء میکند از خداوند است که بتو توفیق داده و از هر فعلیکه از آن استغفار میکنی پس آن از تو است.

و چهارمی نوشت که آن حضرت فرموده که: آیا تو گمان میکنی آن خداوندی که راه خیر و شر را بتو وسعت داده، سر راه خیر و خوبی را بتو گرفته باشد. !!!  
و چونکه این جوابها به حجاج ثقفی رسید گفت خداوند آن ها را بکشد این جوابها را از چشمه صاف بر داشته اند.

و این حدیث را مرحوم کراچکی در کنز خود روایت کرده.

و در نهج البلاغه فرموده که اکثر شغل و اهتمام تو از برای عیال و اولاد نباشد زیرا که آنها اگر از دوست خداوند باشند پس خداوند دوست خود را ضایع نمیکند و اگر آنها از دشمنان خداوند باشند پس از برای آنها بازحمت و مشقت مال جمع آوری ممکن. و فرموده: هر کسیکه گفتگوی او نرم شود محبت او در دل مردمان ثابت میشود و هر که قدر نفس خود را بداند هلاک نخواهد شد و هر که بازحمت کسب حلال نماید خداوند از او راضی میشود. و فرموده: بدرستی که مثل دنیا مثل مار است که نرم است مس کردن آن و شدید است زدن آن پس اعراض بکن از زیاده کردن اموال آن و اکتفاء بکن باندک آن و در کمال خاطر جمع شدن از دنیا در نهایت حذر کن از آن زیرا که صاحب آن هر قدر در سرور باشد زیاده بآن غمگین خواهد کرد او را.

و فرموده بدانکه کسب نخواهی کرد زیاد تر از قوت خودت مگر اینکه تو در آن زیاد تر خزینه دار خواهی شد بغیر از خودت و در آن زیاد تر زحمت توزیاده میشود و وارث تو لذت خواهد برد و حساب تو در قیامت طولانی خواهد شد و تو سعادت اخذ بکن بمال خود در حیات خودت و چیزی بفرست بروز آخرت خود که توشه باشد در راه تو، و بدرستی که سفر تو دورتر است و قیامت وعده گاه، و محل نازل شدن یا بهشت است و یادوزخ و فرموده: ای جماعت مردمان بدرستی که دنیا دار

گذشتن و آخرت دار قرار است پس اخذ بکنید از دار گذشتن برای دار قرار گاه خودتان و پرده عرض و ناموس خود را پاره نکنید در نزد خداوندیکه اسرار شما را میداند و خارج بکن قلب خود را از دنیا قبل از آنکه بدن شما از آن بیرون شود و در دنیا بشما امتحان داده شده و از برای آخرت خلق شده‌اید و زمانی که کسی وفات کرد مردمان میگویند چقدر مال بعد از خود باقی گذاشته و ملائکه گویند چقدر اعمال خیر فرستاده است و بعضی اموال خود را برای آخرت بفرستید و همه را بعد از خود باقی نگذارید که برای شما و بال شود.

و فرموده ای جماعت بدرستی که مرگ در پیش روی شما است و در پشت سر شب و روز شما را میرانند تا اینکه شما را بمردگان رسانند پس شما سبک بار شوید از علایق دنیا و گناهان تا اینکه بدون زحمت بگذشته گان سبک باران برسید و ایشان بشما انتظار دارند.

و فرموده اگر شما ببینید آنچه را که مردگان دیده‌اند البته جزع و فریاد و بی قراری میکنند و موعظه میشوند و اطاعت خداوند را میکنند و از اعمال قبیحة دوری مینمایند و لکن پوشیده شده از شما آن چه مردگان دیده‌اند و بعد از اندک زمانی پرده بر داشته میشود، و هر آینه شما خوب و زشت را از اعمال دیدید اگر بصیرت داشته باشید و شنیدید اگر گوش شنوا دارید و شما را بافعال خوب و کرد کار مرغوب هدایت کردند اگر قبول هدایت نمایید.

و فرموده ای مردمان از دو چیز از برای شما میترسم یکی هوا پرستی و دیگر درازی آرزوی شما اما هوی پرستی پس شما را از حق پرستی باز میدارد و اما درازی آرزوی پس آخرت را فراموش میکند و آگاه شوید که دنیا پشت کرده و تند و تیز می‌رود و چیزی از آن نمانده مگر مثل آن چه در ته کاسه بعد از ریخته شدن آن میماند و آخرت رو آورده بشما و از برای هر یکی از دنیا و آخرت اولاد است پس شما از اولاد آخرت باشید و از اولاد دنیا نشوید و هر ولد بمادر خود بسته و ملحق میشود در قیامت و امروز عمل است و حساب نیست و در قیامت حساب است و عمل نیست.

و فرمود بدرستیکه وفاء و صدق مثل همندر لزوم عمل بآنها و خوب ترین سپرند وفاء و راست گوئی و ضدّ این حيله کردن است و حيله نمیکند کسیکه قیامة را بدانند، و ما در زمانی واقع شده ایم که اکثر اهل آن حيله را دانائی و سیاست اخذ کرده اند، و مردمان جاهل و نادان اهل حيله را دانا و صاحب سیاست میدانند، خداوند آنها را بکشد چرا فریب و حيله را خوب خیال میکنند، و حال اینکه خداوند از آن منع و نهی کرده، و از برای مرد زشت و بد است، و بد اخلاقی است، و شخص کامل و باتمدّن و تدبّین حيله را ترك میکند بعد از قدرت بآن، و فرصت را از دست نمی دهد در حيله کردن کسی که دین نداشته باشد؛ و بد اخلاق و غیر متمدّن شود.

و فرموده هر که در دنیا صاحب بصیرت و با هوش و شعور باشد عیب دنیا را میبیند و هر که چشم خود را بدینا بدوزد او را دنیا کور و بدون بصیرت میکند. و فرموده زمانیکه تو در هر روز از عمر خود بر عقب میروی، مرگ تو روز بروز جلو میآید، پس بزودی بر همدیگر ملاقات خواهند کرد.

و فرموده بیچاره است اولاد آدم (س) که اجل او نوشته شده و تغییر بر دار نیست، و دردهای او مخفی و از او در پرده است و اعمال او يك يك حفظ شده است و فردا بر جزاء اعمال خود خواهد رسید.

و فرموده که سزاوار نیست از برای مردمان امیدوار شدن به سلامتی و بر صاحب ثروت بودن خودشان زیرا که در اثناء سلامت شدن بر مرض مبتلا میشوند و در اثناء غنی بودن فقیر و محتاج میگردند.

و فرموده سفارش میکنم بشما پرهیزکاری را و اجتناب کردن را از کارهای زشت و بد که پرهیزکاری توشه خوب است و بازگشت انسان بآنست و توشه ایست که شخص را بمنزل و مقصد میرساند و بازگشتی است که انسان را نجات میدهد از هلاکت. و فرموده: گوئیا آنچه در دنیا بوده است در اندک زمانی که نبوده است و گوئیا آنچه در آخرت است از جزاء اعمال و اقوال و از خیر و شر در این نزدیکی واقع است.

و فرموده باید مشغول شود آن کسی که جنت و دوزخ در پیش روی او است و یکی باشتاب سعی میکند در کارهای خوب، او نجات یابد و دیگری طالب نجات است از دوزخ و مهمل است او امیدوار میشود و یکی تقصیر کار است در اعمال خیر و او در دوزخ است.

و فرموده آیا ندیدید اهل دنیا را که صبح و شام می کنند در حالات مختلف که یکی میمیرد و باو میگیرند و یکی تسلیت میدهند و یکی زخم دار و مبتلا بمرض میشود و یکی متولد میشود و دیگری در حال احتضار است و یکی طالب دنیا است و مرگ نیز در طلب او است و یکی در غفلت است از مرگ و مرض و آفات و بلیات ولی از او در غفلت نیست مرگ و مرض و بلاهای او.

و فرموده چه بسیار نزدیک اند زندگان بمردگان زیرا که زنده بمرده لاحق میشود و چه قدر دور است مردگان از زندگان زیرا که مردگان از زندگان قطع علاقه کرده اند.

و فرموده چگونه بیان کنم حال دنیا را که اول آن زحمت و درد و غم است و آخر دنیا فنا است و در حلالش حساب و در حرامش عقاب است و هر که غنی شود بر - فتنه و فساد واقع میشود و هر کسی که فقیر است محزون و غمگین میگردد و هر که در آن جد و جهد میکند از او فوت میشود و هر کسی که از آن اعراض نماید بطرف او میآید.

و فرموده بدرستی که دنیا محل چشم دوختن کور است و بغیر از دنیا شخص کور چیزی نمیبیند و صاحب بصیرت و چشم بینا بغیر از آن چیزی دیگر مبیند، و میدانند که خانه اصلی در آن طرف است، و شخص با بصیرت از دنیا و از اموال حرام آن میگردد، و کسی کور باطن چشم خود راقط بدنیا اندازد، و بغیر از آنچه چیزی نبیند و شخص با هوش و شعور از آن توشه بر دارد و کسی بدون بصیرت و هوی پرست از برای هوی و شهوت رانی دنیا را جمع میکند.

و فرموده خداوند لعنت کند بآن کسانی که امر بمعروف میکنند و خودشان



عمل بمعروف نمینمایند، و بر آن اشخاصیکه نهی از منکر مینمایند، و خود آنها منکرات را ترك نمیکنند.

و فرموده کلام و حرف زدن در گرو تو است مادامیکه نکومی و زمانی که گفتی تو در گرو گفتهای خود میباشی.

و فرموده خداوند در قیامت مردمان را دو صنف قرار میدهد بر یکی انعام و احسان میکند و بر دیگری عذاب و عقاب و از آن ها انتقام میکشد و اما اهل الطاعة پس ایشان را در جوار رحمت خود نواب میدهد و در جنت کرامت خود مغلّد می کند و اما اهل معصیت پس آنها را در جای بسیار بد ساکن و حبس مینماید و دست آنها بگردن ایشان بسته میشود.

و فرموده توحید اینست که خداوند را خیال نکنی و عدل اینست که او را مّتهم ننمایی.

و امثال این کلمات قصار از آنحضرت در نهج البلاغه و شرح ابن ابی الحدید بسیار است و در ناسخ التواریخ سیزده هزار و ششصد و بیست و هشت از فرمایشات حکمت آن بزرگوار نقل کرده که هر کدام از آنها فائده دارد و مشتمل است بر حکمت و فلسفه و در آن ها است اصل تمدن، و تدین، و مکارم اخلاق، و حسن رفتار و گفتار، و مرغوبی افعال و اقوال و زندگانی دنیا و آخرت و خوب بودن انسان و امتیاز اوصاف او از حیوان و شناختن مردمان از درندگان، و مظلومان از ظالمان.

و بالجمله اساس اخلاق و رفع نفاق از اهل آفاق و تمدن و آدم شدن و انسان بودن و خوش خلق گردیدن و با مردمان خوب رفتار کردن و مرغوب گفتن و بر زیر دستان اعانت و احسان نمودن و از هوای نفس گذشتن در فرمایشات آنحضرت است، و آنچه در اینجا ذکر شد يك نمونه بود و از هزار یکی است مثل فرمایشات حضرت رسول الله (ص) که اغلب آنها در جلد هجرت ناسخ ذکر شده، و حکمتها و فلسفها و اخلاقها و آدابها و کمالها و ترقیها و تعالیها و خوبیها و تمدنها و گفتارها

و رفتارها در آن فرمایشها موجود است که اگر کسی بیکی از هزارها از آن‌ها عمل نماید اصل تمدن و اساس تدین را دریابد، و صاحب اخلاق حسنه و اوصاف شریفه و آداب مرغوبه و در میان مردمان انسان و ممتاز از حیوان و مثل گوسفندان در بین درندگان میشود، و هر که عمل او بفرمایش آنحضرت زیاد تر شود اخلاق او خوبتر و تمدن او بیشتر و انسانیت او بهتر خواهد شد و آدم کامل و مرد فاضل و شخص عاقل و در آداب و اخلاق خوب غیر جاهل خواهد گردید و آن چه از فرمایشات حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله در این مختصر ذکر شد اندکی بود از بسیار و یکی شد از هزار و ایمان و دین و تدین و تمدن و اسلام در آنها است، و اسلامیکه آنحضرت آورده و دینی که بیان کرده آنها بود که جامع جمیع کمالات و مشتمل بتمامی محسنات است، و از این جهت خداوند در چهار آیات آخر دین را از اول منحصر فرمود بدین اسلام و بغیر از دین اسلام دین دیگر را قبول نفرمود و از دین اسلام راضی شد، و از غیر آن راضی نگردید.

و در اینجا چند حکم از احکام اسلام از قرآن ذکر شود.

در سوره مائده فرموده یا ایها الذین آمنوا انما الخمر و المیسر

والانصاب و الازلام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه لعلکم تفلحون یعنی ای آن کسانی که خداوند را میشناسید و ایمان و تصدیق بخداوند دارید بدرستی که تمامی مسکرات و قمار بازیها و آنچه ذبح شود بنام بتها و آن قدحهاییکه با آنها قسمت میکنند که یکنوع قمار است همه اینها پلید و زشت است و از عمل شیطان است و از اعمال و افعال انسان نیست تا چه رسد بشخص متمدن و آدم با تدین پس شما دوری بکنید و کناره جوئی نمائید از آنها شاید که شما رستگار باشید و رستگاری در دور بودن از آنها است و دوری کردن از اینها که معنای اجتناب است دلیل بر اینست که شخص باید ابدًا بمسکرات و قمار آلوده نباشد و دست نزند و نخورد و بازی نکند و در خانه اش نباشد و در لباس و بدنش نشود و الاجتناب صدق نمیکند و دوری نخواهد شد و از اینجا علماء میگویند که مسکرات با دلالت قرآن نجس است

و در سوره انعام فرموده: **قُلْ لَا اِجْدُفِيْمَا اَوْحٰى اِلَيَّ مَحْرَمًا عَلٰى طَاعِمٍ يَطْعَمُهٗ**  
**اِلَّا اِنْ يَكُوْنُ مِيْتَةً اَوْ دَمًا مَسْفُوْحًا اَوْ لَحْمَ خَنْزِيْرٍ اَوْ فِسْقًا اَهْلٍ لِّغَيْرِ اللّٰهِ بِهِ** و  
 حاصل ترجمه آیه اینست که: ای پیغام اورما بگو بمردمان که من در خوردنی ها  
 پیدا نمیکنم طعام حرام شده را در آنچه بمن خداوند وحی فرستاده مگر اینده آن  
 طعام میته و یا خون جهنده و یا گوشت خوک و یا آن حیوانی که بنام غیر خداوند  
 ذبح شود و این چهار نوع از طعامها حرام است بوحی خداوند.

و ایضاً در آن سوره میفرماید: **قُلْ لِّعَالُوْا اٰتِلْ مَا حَرَّمَ رَبِّيْ عَلَيَّ**  
**اِلَّا اِنْ يَكُوْنُ مِيْتَةً اَوْ دَمًا مَسْفُوْحًا اَوْ لَحْمَ خَنْزِيْرٍ اَوْ فِسْقًا اَهْلٍ لِّغَيْرِ اللّٰهِ**  
 تشر کوا به شیئا و بالو الدین احساناً یعنی بگوای پیغمبر ما (س) بجمیع مردمان  
 که بیائید بشما آنچه را که خداوند حرام کرده بگویم اولا بخداوند چیزی را شریک  
 قرار ندهید و بر توحید اقرار بکنید، و در ثانی بر پدر و مادر خودتان خوبی نمائید  
 و بر ایشان اذیت و ضرر نرسانید که حرام است آزار دادن بایشان.

**وَلَا تَقْتُلُوْا اَوْلَادَكُمْ** من اطلاق نحن نرزقکم و ایاهم یعنی اولاد خودتان  
 را از جهت ترسیدن از فقر و فاقه نکشید چنانکه ما بشما روزی میدهیم بر آنها نیز  
 روزی خواهیم داد.

**وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا** و ما بطن یعنی بر فواحش البته نزدیک  
 مشوید چه فواحش ظاهره باشد و چه در باطن بوده باشد از زنا و لواط و قمار و شراب  
 خوردن و در این آیه از جمیع زشتی ها و بدی ها نهی کرده و بلکه از نزدیک شدن  
 باینها منع نموده و مراد از فواحش کارهای رسوا کننده است در نزد عقلاء و عرفاء  
 هرچه باشد در ظاهر و یا در باطن.

**وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللّٰهُ** الا بالحق یعنی هیچ کسی را نکشید  
 که خداوند کشتن نوع بشر را حرام کرده مگر اینکه بحقانیت شخصی را بکشید  
 مثل قصاص کردن و حد زدن و قطاع طریق را کشتن.

**وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيْمِ** الا بائتي هي احسن حتی يبلغ اشده یعنی بمال یتیم  
 نزدیک مشوید مگر آن نحوی که بهتر و خوبتر است نزدیک شدن شما مثل حفظ

کردن و تبدیل با حسن نمودن تا اینکه یتیم بحدّ رشد برسد و رشید باشد .  
 و او فوا الکیل و الهمیزان با لقسط یعنی با عدالت رفتار بکنید در کیل  
 کردن و وزن نمودن اشیاء در وقت فروختن و کم و کسر ندهید لا نکلف نفساً الاوسعها  
 یعنی تمامی تکالیف دین اسلام بقدر وسعت مردمان است و زیاده بر وسعت هیچکس  
 بر او تکلیف نمیکنیم .

و اذا قلتم فاعدلوا و لوکان ذاقربی و بههد الله او فوا یعنی در وقت  
 حکم کردن و مرافعه نمودن و چیزی در حق کسی گفتن بعدالت رفتار نمائید هر  
 چندیکه آنکس صاحب قرابت باشد بشما و بر عهد و پیمان خداوند وفا بکنید و آن  
 عهدی که خداوند از شما بندگان گرفته بر آن وفا نمائید و آن عهد مثل این  
 آیه است .

الم یؤخذ علیهم میثاق الكتاب ان لا یقولوا علی الله الا الحق یعنی آیا  
 عهد و پیمان اخذ نشده از مردمان در کتاب خداوند که ایشان در دین خداوند نکویند  
 مگر حکم واقعی را و مثل این آیه است .

الم اعهد الیکم یا بنی آدم ان لا تعبدوا الشیطان یعنی آیا من خداوند با  
 شما اولاد آدم عهد نکردم که بر اشخاص اغواء کننده در دین و بر شیطان انس و جن  
 اطاعت نکنید و مراد از وفاء به عهد خداوند حق واقع گومی است در دین او و اطاعة  
 نکردن است بشخص بی دین بدلیل این دو آیه که ترجمه شده .

و ان هذا صراطی مستقیماً فاتبعوه و لا تتبعوا السبل فتفرق بکم عن سبیله  
 یعنی بدرستی که این آیات قرآن راه راست و شریعت حق من خداوند است پس شما  
 تابع شوید بقرآن و براههای دیگر بغیر از قرآن تابع مشوید پس آن راههای دیگر  
 شما را از راه راست دین خداوند پراکنده میکند و راه را کم میکنید و مثل این  
 آیات شریفه است آیات سوره بنی اسرائیل در وصیت و سفارش بر این احکام و چند  
 حکم دیگر در این سوره علاوه فرموده چنانکه میفرماید .

و ات ذا القربی حقّه و المسکین و ابن السبیل یعنی بصاحب قرابت و

خویشان حق ایشان را بدهی و بر مساکین و ابناء سبیل نیز حق خودشان را بدهی و حق اقرباء نزدیکتر واجب النفقہ بودن ایشان است و حق مساکین و ابناء سبیل زکوة است تا اینکه گذران آنها شود .

و لا تبذر تبذیراً ان المبذرين كانوا اخوان الشياطين یعنی مال خود را در کار های باطل و در آنچه فائده دینی ندارد صرف مکن و این نحو اشخاص برادران شیاطین و مثل کسان شیطان صفتند که اموال خودشان را در افعال بی جا خرج میکنند .

ولا تجعل يدك مغلولة الى عنقك ولا تبسطها كل البسط یعنی دست خود را بگردن خودت نبندی که هیچ احسان و اعانت بمردمان فقراء نکرده باشی و تمام دست خود را باز نکن که هر چه داشته باشی بمردمان بدهی و خودت محتاج شوی و بلکه در احسان و انفاق میانه رو باش .

ولا تقربوا الزنا الله كان فاحشة و ساء سييلا یعنی نزدیک نشوید بزنا نمودن و بدرستی که زنا رسوا کننده و راه بد و زشت بوده است .

و در فقیه و خصال از حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله روایت کرده که در زناش خصلت است و سه خصلت آن در دنیا است که آب روی زنا کننده را میبرد و فنای او را نزدیک میکند و روزی او قطع میشود و سه خصلت زنا در آخره است که حساب او بد میشود و باعث غضب خداوند است و سبب مخلد بودن او است در دوزخ .

ومن قتل مظلوماً فقد جعلنا لوليه سلطاناً فلا يسرف في القتل یعنی هر که بدون جرم و گناه کشته شود پس ما خداوند از برای ولی او تسلط قرار داده ایم که قاتل میت خود را بکشد پس او نیز در کشتن در عوض میت خود اسراف نکند و بغیر از قاتل کس دیگر را نکشد .

و لا تلف ما ليس لك به علم یعنی تابع نشوی در دین خداوند بآنچه ترا بر آن علم و یقین نیست و هر چه را نمیدانی نکو و آنچه میدانی و علم داری بگو .

و لا تمش فی الارض مرحاً یعنی حرکت تو و رفتارت مادی که در روی زمین بوده باشی در حال تکبر و با کبریا و غرور نشود و بلکه در حالت تواضع باشد و در سوره اعراف فرموده : و لوطاً اذ قال لقومه انا اتون الفاحشة ما سبقکم بها من احد من العالمین یعنی حضرت لوط را بقوم او فرستادیم و او بقوم خود گفت که آیا بفاخشه و فعل زشت و رسوا کننده که لواط کردن باشد مرتکب می شوید و بر آن کار قبیح قبل از شما کسی اقدام نکرده از اهل زمین تا این که می فرماید .

و امطرنا علیهم مطراً فا نظر کیف کان عاقبة المجرمین یعنی در جزاء لواط کردن قوم او بر آنها باریدیم باران سنگ و همه آنها را هلاک نمودیم پس تو نظر بکن بر عاقبت و آخر کار جرم کنندگان که در دنیا قبل از عذاب آخره بر لواط کننده میرسد .

و ایضاً در اعراف فرموده : یا مرهم بالمرحوف و بنهیم عن المنکر و یحلّ لهم الطیبات و یحرّم علیهم الخبائث یعنی شغل حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله اینست که مردمان را امر بر افعال و اقوال خوب میفرماید و ایشان را نهی میکند از رفتار و گفتار و کردار بد و زشت و قبیح و از جانب خداوند بوحی حلال میفرماید بآنها اشیاء پاک و باکیزه را از خوردنی و آشامیدنی و پوشیدنی و گفتنی و شنیدنی و حرام میکند بایشان چیز های قبیح و شنیع و خبیث و بد و زشت را و حلال آن حضرت طیبات و حرام او خبیثات و کثافات و قذارات و مثل نجاسات است در نظر عقلاء و فضلاء و عرفاء و در ظن و گمان جاهلان و غیر عاقلان در حلال و حرام فرق نیست و طیب و خبیث یکی است و معروف و منکر تفاوت ندارد .

ذالک ظنّ الذین کفروا فویل لهم من النار

و در سوره آل عمران فرموده : الذین ینفقون فی السراء و الضراء و الکاظمین الغیظ و العافین عن الناس و الله یحبّ المحسنین یعنی اشخاص متقی و پرهیزکار آنکسانند که مال خودشان را در زمان ارزانی و گرانی بدون تفاوت در راه خداوند و از برای رضای او در فقراء و مردمان پریشان احسان و اعانت میکنند

و دیگر غیظ و غضب خود را در حق بندگان خداوند فرومینشانند و دیگر از مردمان عفو و اغماض مینمایند در وقتی که از آنها ظلم و ستم و بی ادبی نسبت بایشان صادر شود، و دیگر در حق مردمان نیکو کاری می کنند و خداوند نیکو کاران را دوست میدارد.

و این آیه شریفه جامع جمیع مکارم اخلاق و آداب تمدن و تدین است و هر که هنر دارد از ادعا کنندگان تمدن و خوش اخلاقی بر این آیه عمل بکنند اولاً حال فقراء و ضعفاء را در ارزانی و گرانی بدون فرق ملاحظه کند، و بر ایشان اعانت نماید، و در ثانی غیظ و خشم خود را از مردمان فرو برد، و آنها را از جهة نادانی و جهل و ناهمی تعاقب نکند، و ثانیاً از ظلم و ستم آنها در حق خود عفو کند، و بگذرد، و رابعاً در باره مردمان جاهل و ستمکار احسان نماید، و بعد از این ها حق دارد که ادعای تمدن و تدین و خوش اخلاقی کند، و تمدن در این آیه است و خوبی اخلاق در اینست، و هر که بر این عمل نماید آنکس متمدن است، و بلکه او ستاد اهل تمدن خواهد شد.

و در سوره نعل فرموده: ان الله یامر بالعدل و الاحسان و ایتاء ذی القربی و ینهی عن الفحشاء و المنکر و البقی یعظکم لعلکم تذکرون یعنی خداوند همیشه امر می فرماید بعدالت کردن مردمان بیکدیگر و انصاف کردن در باره همدیگر و بلکه بالاتر از این عدالت امر میفرماید بر احسان نمودن در حق بیکدیگر و تفضل کردن بمردمان، علاوه بر عدل و انصاف، و دیگر علاوه بر اینها در حق اقرباء و خویشان امر میفرماید بمعطاء کردن، و عطیة دادن، و مایحتاج ایشان را بآن هارسانیدن از خوراک و پوشاک، و نهی و منع و زجر میکند از سه چیز.

اولاً از افعال و کردار رسوا کننده مثل خوردن مسکرات و زنا، و لواط، و تعدی، و ظلم کردن، و بعد از آن از سائر منکرات و اعمال بد و زشت نهی میکند، هرچندی که رسوا کننده نشود، وقتی که در نظر عاقلان و دانایان بد شد، و منکر گردید، و دیگر نهی میفرماید از تجاوز کردن بحق کسی در مال او، و در عیال او

و در عرض و ناموس او که بر هیچ گونه نباید شخصی در باره کسی تجاوز و دست درازی بکند، و حق دیگری را ضایع نماید، و در مجالس و محافل و در گفتگو کردن، و حق را شنیدن، و گردن نهادن، و از سخن حق نگذشتن هر گاه باشد از غنی، و فقیر، و از عالم و جاهل و از شهری و دهاتی و خداوند با اینها که امر و نهی فرموده بشما اولاد آدم موعظه میفرماید شاید که شما ها یاد بگیرید و یاد داشته باشید و نفع دنیا و آخره را جمع بکنید.

و در این آیه نیز مکارم اخلاق و آداب تمدن و شرایط تدبیر جمع است و از اخلاق حسنه و افعال مرغوبه چیزی فرو گذار نکرده و از اعمال قبیحه و رفتار شنیعه چیزی باقی نگذاشته که امر کرده و نهی فرموده و تمامی خوبها و جمیع نیکو کاری ها در این آیه است و هر که ادعای تمدن نماید بر این آیه عمل بکند و هر کس انسانیت را مدعی شود با این آیه رفتار نماید و بیان هر خیر و شر در اینست و هر خشک و تر در این آیه است، و هر امر بر خوبی ها و نهی از بد و زشتی ها در این يك آیه جمع شده پس کجا بندگان تمدن و ادعا کنندگان تدبیر و نسبت دهندگان انسانیت بخودشان و امتیاز دادگان خود از حیوان درنده، و مدعی شدگان اخلاق حسنه، و رفتار مرغوبه.

و در سوره نساء فرموده: **و اعبدوه ولا تشركوا به شیتا و بالوالدین احساناً و بذی القربی و الیتامی و المساکین و الجار ذی القربی و الجار الجنب و الصاحب بالجنب و ابن السبیل و ما ملکت ایمانکم یعنی بخداوند عبادت بکنید و هیچ چیزی را بخداوند شریک قرار ندهید از هوای نفس و اطاعت آنکسانی که مطیع هوای خودشانند و خداوند شناس نیستند و دیگر بر والدین خودتان نیکو کاری بکنید و نیز بر اقرباء خود و بر یتیمان و بر مسکینان احسان و اعانت نمائید در خوراک و پوشاک و لوازم زندگانی و دیگر بر همسایگان نزدیک و بر همسایه دور تر نیکو کاری و احسان نمائید و بر مصاحب خودتان در سفر و حضر و در صنعت نیکو کار و خوش رفتار بوده باشید و دیگر بر مسافری و بزرگواران خودتان اعانت و نیکو کاری بکنید.**



و در این آیه خداوند امر فرموده بر احسان کردن و اعانت نمودن بر این اشخاص و بغیر از این جماعت کسی دیگر از برای اغلب مردمان پیدا نمیشود و اگر شخصی بر این مردمان احسان و نیکو کاری و اعانت نماید دیگر کسی نیست که بار بد رفتار و زشت کردار باشد و تمدن و تدین و خوش اخلاقی و خوب رفتاری و نیکو کاری در عمل بر این آیه است و تمامی بدیها و زشتیها و وحشی گریها در ترك دستور العمل این آیه خواهد شد و باید کسی باین آیه عمل نماید تا این که از جمله اهل تمدن و تدین و خوش خلق و خوب رفتار و نیکو کردار بوده باشد.

و در سوره حجرات فرموده: **يا ايها الذين امنوا لا يسخر قوم من قوم عسى ان يكونوا خيرا منهم ولا لاساء من نساء عسى ان يكن خيرا منهن ولا تلمزوا انفسكم ولا تالنازوا بالانجاب بشئ لاسم الفسوق بعد الايمان و من لم يتب فاولئك هم الظالمون** یعنی آنکسانی که بخداوند تصدیق دارند استهزاء و استخفاف نکند یکقومی بر قوم دیگر و نه زنان بزنان دیگر زیرا که بسا میشود که استهزاء شوندگان از مردان و زنان در واقع در نزد خداوند بهتر و خوبتر باشند از استهزاء کنندگان و دیگر بعضی از شماها بر بعض دیگر عیب نگیرد و عیب جوئی نکند و دیگر بعضی از مؤمنان دیگر آنرا با لقب بد و بنام زشت ندانند زیرا که زشت است از برای مؤمنان که همدیگر را با اسم بد بخوانند و هر که از این استهزاء و عیب جوئی و ندانند یکدیگر بنام بد توبه نکند پس آنها از جمله ظلم کنندگان خواهند شد و جزاء ظلم کردن بآنها خواهد رسید.

**يا ايها الذين امنوا اجتنبوا كثيرا من الظن ان بعض الظن اثم و لا تحسوا ولا يغتب بعضكم بعضا احب احدكم ان يا كل لحم اخيه ميتا فكرهتموه و اتقوا الله ان الله تواب رحيم** یعنی ای آنکسانی که خداوند شناس هستید بسیار دوری بکنید از گمان بد بردن در حق یکدیگر و بدرستی که بعض بد گمانی کردن در باره دیگران گناه است و دیگر عیب دیگرانرا جستجو نکنید و غیبت یکدیگر را ننمائید و غیبت کردن مردمان مثل خوردن گوشت ایشان است آیا یکی از شما دوست میدارد که گوشت مرده برادر دینی خود را بخورد پس شما از خوردن آن

تفر دارید و از غیبت کردن نیز اجتناب بکنید زیرا که غیبت مثل خوردن گوشت میت برادر است و پرهیز کاری کنید و از خداوند بترسید از گمان بد بردن و از جستجو کردن و از غیبت نمودن و از این اعمال زشت باز گردید و توبه بکنید بدرستی که خداوند توبه را قبول میفرماید اگر رجوع بآن گناه نکرده باشید و این حاصل ترجمه آیه است .

يا ايها الناس انا خلقناكم من ذكر و انثى و جعلناكم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اكرمكم عند الله اتقاكم ان الله اعلم خبير يعنى اى مردمان روى زمين بدرستی که شما را از يك نفر مرد و يك نفر زن او خلق كردم که حضرت آدم و حواء باشند و پدر و مادر همه شما ها يکى است و قرار دادم شما را شعبها از فارس و ترك و هند و سند و روس و روم و آلمان و انگليس و غير از اينها از طائفه ها و نيز قرار دادم از اولاد حضرت آدم قبيله ها که قبائل عربها باشد از برای اينکه شما همدیگر را بشناسيد نه اينکه بريكديگر تفاخر و بزرگى نماييد و همدیگر را اذيت بکنيد و بعضی شما بعضی ديگر را بد بداند و خود را از او بهتر و خوب تر داند و بدرستی که بهتر شما در نزد خداوند پرهيز کار تر شما است و هر که پرهيز او از حرام های دين خداوند زياد تر شد آنکس در نزد خداوند گرامی تر و خوب تر و بهتر خواهد شد و خداوند عالم است بافعال و اقوال شما و باخبر است بر باطن و ضمائر شما .

و ايضاً در اين سوره فرموده : **الما المؤمنون اخوة فاصلحوا بين اخويكم و اتقوا الله لعلكم ترحمون** يعنى بدرستی که اشخاص خداوند شما را برادران همدیگرند چنانکه در آيه سابقه بيان فرموده که همه از يك پدر و مادرند پس وقتی که همه شما ها برادر شديد پس در بين برادران خود تان در فرض وقوع نزاع و تنازع و ترافع اصلاح بکنيد و قيل و قال و جنك و جدال را از ميان رفع و دفع نماييد و بريكديگر رحم و در مقام ترحم باشيد ، و در اصلاح كردن طرف گيرى نكنيد ، و از خداوند بترسيد ، و پرهيز كار شويد شايد که شما محل ترحم خداوند گرديد

و حاصل ترجمه این چهار آیات این بود و در این آیات شریفه خداوند اصل تمدن و تدبیر و حسن خلق را بیان کرده که مردان و زنان بهمدیگر استهزا و استخفاف نکنند و یکدیگر را با القاب بد و زشت نداده ننمایند و نام بد بهمدیگر نگذارند و از کمان بد در حق دیگران اجتناب بکنند و عیب جوئی و غیبت گوئی از یکدیگر ننمایند و همدیگر را برادر و برابر بدانند و اولاد یک پدر و مادر فرض کنند و در میان خودشان اصلاح و رفع نزاع نمایند و با صلح و صلاح رفتار و کردار داشته باشند و از افعال و اعمال و گفتار بد در باره همدیگر دوری کنند که شاید محل ترحم خداوند گردیده و از آفات دنیا و آخرت در حفظ خداوند باشند که حاصل مضمون این آیات شریفه است و تمدن و خوش اخلاقی و خوب گفتاری و نیکو رفتاری اینها است و در غیر از این از آیات سابقه نیست و هر که متمدن و متدبیر و خوش اخلاق و بدون نفاق و مشهور در آفاق شده عمل بر این آیات نموده چه اروپائی باشد و چه ایرانی.

اگر فرض شود که اروپائیان تمدن و حسن خلق دارند پس آنها را از این آیات یاد گرفته و اگر فرضاً این آیات را ندیده و نشنیده باشند پس تمدن و خوش اخلاقی و خوش گفتاری و خوب کرداری در اول در قرآن و در دین اسلام بنا گردیده و اروپا در آنها اصل نبوده و کسی نگوید که در اروپا تمدن و حسن خلق است و بلکه باید بگوید که اساس تمدن و تدبیر و خوش خلقی و خوب رفتاری دین اسلام و آیات قرآن است و المعامله هر که مایل تمدن و تدبیر و یا حسن خلقی و خوش کرداری و خوب گفتاری باشد باید از دین اسلام اخذ کند و از قرآن یاد بگیرد و هر کسی که وحشی گری و بربری و درندگی و آدم خوری خواسته باشد از این اسلام و از قرآن و از فرمایشات پیغمبر آخر الزمان دوری و کوری بکنند زیرا که تمدن و تدبیر و مهربانی و خوشحالی با مردمان و خوبی کردن بر بیچارگان و احسان بر بینویان در دین اسلام و در قرآن و در فرمایشات حضرت امیرالمؤمنین (ع) است و خیال اغلب اروپائیان و ادعای تمدن کنندگان اکثر ایران جلب نفع فقط بخودشان و دفع ضرر از وجود شخصی ایشان است نه اصلاح و صلاح سایر مردمان و نه

ملاحظه حال قراء و ضعفاء و بلکه اکثر اروپا وحشی و درنده و آدم لخت کننده و کشنده اند زیرا که اغلب اختراعات آنها آدم کشنده و ولایات را خراب کننده و با اسباب های زود شکن و خراب شونده مال را از دست ایشان میبرند و میربایند و لخت میکنند و با وجود این اختراعات آدم کش و بر باد دهنده ولایات از تفنگ و توپ و تانک و بمب و غیر از اینها و درست کردن اسباب لوکس زود خراب شده که اموال مردمان نادان را از دست ایشان با بهانه اخذ می کنند، و آنها را از دارائی خودشان لخت مینمایند، و هم جان و هم مال بیچارگان را فانی کرده اند، و روی زمین را يك تپه خاك نموده اند باز ادعای تمدن و خوش اخلاقی مینمایند، و بر اهل شرق افتخار میکنند و مردمان نادان را فریب میدهند، و در لباس گوسفند كرك می-شوند، و نادانان ایرانیان نیز حيلة آنها را نمیدانند، و روز بروز بر فلاکت و قریب بهلاکت میباشند، و بر اهل اروپا متمتن میگویند، و آنها را تصدیق میکنند و حال اینکه آنها ادعای دروغ مینمایند، و وحشی گری را تمدن نام کرده اند و لخت کردن و فریب دادن را سبب راحتی عوام نادان نشان میدهند و هر که آنها را تصدیق می-کند، وحشی تر از آنها است و نادان تر از گاو و خر است و ابداً سود و زیان راندا نسته و خیر و شر را نفهمیده و كرك را گوسفند دانسته و شهوت پرستی و خواهش نفسانی خود را ترقی و تعالی خیال کرده و نظر بر حال دیگران از مردمان و اولاد خودشان نکرده و آینده ایران و ایرانیان را ملاحظه ننموده و از صلاح حال عموم بدون اطلاع بوده و زندگانی را فقط بخودش اختصاص داده و از خداوند و دین او و آخره خود با خیر نبوده و همیشه در خواب غفلت شده، و ذلت را از عزت تمیز نداده، و بلکه فلاکت را عزت و هلاکت آینده را ترقی و ثروت گمان کرده، و این اشخاص در نهایت بی شعور و بصیرت آنها کور و از عقل و دانائی دورند که زبان اهالی را سود و هر چه پیدا بکند از برای خود مختص میدانند و بغیر از وجود خود در خیال برادران و هموطنان نمیشود و با این گمان فاسد و قلب کاسد خود را متمتن و اهل تدین خیال میکنند و خود را بر حسن اخلاق و علم و دانش نسبت میدهد و نمیداند که متمتن

و حسن اخلاقی باید از آیات قرآن که ذکر شد اخذ شود و دستور العمل ترقی انسان از عمل باحکام قرآن باید باشد و بمجرد ادعای تمدن و تدین و حسن خلق شخص متمدن و متدین و صاحب اخلاق خوب نمیشود چنانکه بادعای علم هیچکس عالم نخواهد شد.

و در سوره نساء فرموده: **الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا اتَّقَوْا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ** و حاصل ترجمه آیه اینست که مردان کار گذارانند و قیام کنندگانند بزنان مثل قیام کردن حاکمان بامور رعیت خودشان بسبب آنچه خداوند فضیله داده مردان را بزنان از جهة کمال عقل در مردان و امتیاز ایشان بآنها و بسبب آنچه مردان انفاق میکنند بزنان از مال خودشان با مهریه دادن و کسوة و نفقه عطا کردن بزنان.

و علت زیادتی مردان بزنان دو چیز است یکی ذاتی که کمال عقل مردان است نسبت بآنها، و دیگری عارضی که انفاق مرد است بر زن خود پس زنان صالحه و شایسته اطاعت کنندگانند بمردان و شوهران خودشان و حفظ نمایندگانند غیب و باطن را که عرض و ناموس خودشان و اموال شوهر خودشان است از جهت حفظ کردن خداوند آنها را.

و در این آیه که یکی از احکام قرآن است مردان را بزنان فضیلت داده از جهت ذاتی و عرضی و بدنی و خارجی و انفاق کردن مردان بزنهاى خود ایشان و زنهاى صالحه را مدح کرده که آنها اطاعت شوهران خودشان را مینمایند و نفس خودشان و اموال شوهران را در وقت غائب شدن حفظ میکنند.

و از واضحات است که زن در عقل و شعور و در کمال و در جمیع حال مثل مرد نیست پس باید مرد بر زن زیادتی داشته باشد و نباید زن مثل مرد در حرکات و سکنتا بوده باشد.

و در اینجا چند حدیث از کتاب شهاب در باره زنان ذکر شود که در میان سنی و شیعی احادیث صحیح حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده که زنها شبکه ابلیس است چنانکه با شبکه صیاد مرغرا شکار می کند ابلیس نیز مردانرا

بسبب وجود زنها شکار میکند .

و ایضاً فرموده زن صالحه در زنان مثل کلاغ اعصم است که بالهای آن سفید و بدن آن سیاه باشد و فرموده هر زنی که از شوهرش طلاق بخواهد و با شوهر خود بدون سبب سازش نکند بوی جنت باو حرام است و هر زنی که بر تزویج شوهر فاسق راضی شود آئین مثل آن شوهر فاسقه است و بدکار است و دروغ گفتن مرد بر زن خود خوب است و لباس طلا باف و حریر بمردان حرام و بر زنها حلال است و زنه‌های خودتانرا از بیحیائی نگاهداری نمایند بیاد دادن سوره نور بآنها که آیات عفت و حجاب در آن سوره است و بر زنها یاد بدهید ریشتن پنبه و پشم را و نوشتن را بر آنها یاد ندهید و اطاعت زنها پشیمانی دارد و اگر زنها نپاشند و اطاعت بآنها نشود بحقیقت عبادت میشود بخداوند .

و فرموده غیرت کردن مرد در حفظ زنجوش از ایمان است و غیره زن که شوهر او زن دیگر عقد نکند کفر است و از برای زنها نماز جمعه و جماعت و اذان و اقامه و عبادت مریض و هروله کردن در بین صفا و مروه و جهاد نمودن و بوسیدن حجر اسود و قضاوت و مرافعه کردن و سر تراشیدن نیست و هیچ قومی رستکار نمیشود در صورتی که زنی بآنها رئیس باشد و ریاست بکند و هر زنی که بخودش زینت نماید و لباس خوب بپوشد و از خانه بیرون رود تا اینکه مرد نامحرم باو نظر بکند ملائکه آسمانها و زمینها باو لعنت میکنند و در غضب خداوند میشود تا بمیرد و یا توبه کند و بخداوند پناه ببرد از شر زنه‌های شریزه و از زنان خوب در حذر باشید .

و حضرت امیر المؤمنین (ع) در نهج البلاغه فرمود که برهیز بکن از مشورت کردن بر زنها زیرا که فکر آنها ناقص و قصد آنها سست است و چشمهای زنرا بپوشان در پس پرده نشانند تو او را که کسی را نمیند و شدت حجاب برای آنها خوبتر است و بمنزل خود داخل مکن کسی را که زنها و تو از آنکس خاطر جمع نباشید و اگر قدرت داشته باشی که زن تو بغیر از تو را نشناسد پس بکن و باید مالک نگردانی زنرا از کار خودش آنچه را که تجاوز کند از امورات ضرورت خودش ، و بدرستی که

زن ریحانه است که محل لذت بردن است نه قهرمانه است که کارفرما باشد و او را بطمع مینداز تا اینکه شفاعت نماید از برای غیر خودش از خویشان و آشنایان .

و از امثال ابن احادیث در فرمایشات آنحضرت و حضرات ائمه ( ص ) بسیار است و ترجمه آیه و این احادیث در اینجا کافی است .

و از همه این احادیث و آیه شریفه معلوم شد که زن مثل مرد نیست و زن و خلقت او غیر از مرد و خلقت او است و عقل زن کوتاهتر و هنر او و دوام او کمتر است از مرد و وجداناً واضح است که ساختمان زنان و حالت ایشان غیر از مردان و مخالف مردان شده و مرد ریش دارد و چیزی دیگر دارد وزن آنها را ندارد و مرد زراعت و صناعت و بنائی و معماری و آهنگری و نجاری و ییلداری و سائر حرفتهای شدید و اعمال شاقه دارد و زنان عهده دار اینها نمیتوانند بشوند و کار زن بچه داری کردن و پرستاری نمودن و بختن و دوختن و بافتن پنبه و پشم است .

پس آنکسانیکه زن را با مرد برابر خیال میکنند عقل آنها مثل عقل زن است و کسی که راضی میشو د که زنان با مردان در مجالس و صنایع دوش با دوش شوند شعور او مثل شعور زن بوده و کسانی که مایلند که زنان خود سر باشند و از نامحرم حذر نکند و با نامحرمان مثل شوهرش و برادران خودش رفتار بکند در حرف زدن و نشستن و گردش کردن و آمدن نمودن فهم ایشان مثل فهم زنان شده و از کمال عقل دور افتاده و از شعور بدون بهره گردیده و یا اینکه خیال او لذت بردن و شهوت رانی کردن است از زنان دیگران و یا اینکه کور کورانه تقلید است با روپائیمان و یا اینکه در وجود او رنگ مردی غیر تمندی وجود ندارد و مثل بعضی اشخاص بدون حمیت و غیرت راضی میشود که زن و خواهر و دختر او را جوانان دیگر و نامحرمان ببینند و از آنها لذت ببرند و با آنها شهوت رانی بکنند و این خیالات از تمدن و تدبیر و دین و آئین و از حسن اخلاق دور و خارج از شعور و خلق شخص باطن کور است و زنان با حمیت و با غیرت و صاحب حیا و عفت و اهل نجابت و طهارت بر این کارها راضی نمیشوند و از نامحرم حذر میکنند و با ییکانگان هم صحبت و الفت و هم نشین

و هم گردش نمیباشند و سر و صورت و زینت خودشانرا بردیگران نشان نمیدهند، و محرم خود را با نامحرم برابر نمیکنند و زن و خواهر و دختر شخص مثل عورتین او است که نباید عورتین او را نامحرم دیده باشد و از عورتین او دیگری لذت ببرد و شخص باحیاء، چگونه راضی میشود که عورتین او را هر کس ببیند وزن باغیرت چطور راضی شود که زینت و صورت و سر و گردن و سینه او را هر کس و ناکس مثل کرکس دیده باشد و حال اینکه آن سر و صورت و آن جمال و زینت مختص شوهرش بوده و آنها را از برای او پروریده و از جهت لذت بردن زوج خود آماده کرده و مرد باغیرت چگونه بر زن دیگران طمع میکند و از زنان ایشان لذت میبرد و برزینت و صورت آنها نگاه مینماید و برلقمه دیگران شریک میشود و مثل روباه نیم خورده سائر حیوانات را میخورد و چرا مرد مردانه مثل شیر نمیشود که ابداً نیم خورده هیچ حیوانرا نمیخورد و برلقمه دیگران شریک نمیشود و بالجمله آنکسیکه زنار را سر برهنه و صورت گشاده میخواهد یا غیرت ندارد و یا خیال دارد از زنه‌های مردان و مردانه گان استفاده کند و از آنها اخذ لذت نماید و شهوت رانی خود را در نظر کردن بزنان دیگران بر اتمام رساند، و یا اینکه آنجوانانند که زن ندارند تا اینکه غیرت زن خود را ملاحظه کند که ایمان است و در اغلب بلاد آزادی خواه زنان اینها باینند و از این اشخاص بسیار غلط بازی و دغلكاری است و مثل اینها مثل آنکس است که يك دینار ندارد، و بمردمان میگوید که بیائید هر کس هر چه دارد بر این مطرب و دف زننده بدهد، و از توضیحات است که این سخن از آن شخص لغو و هذیان و سرسام است و این غلط از آنکس بسیار قباح است که ثروت و املاک و اموال داشته باشد نه از کسیکه هیچ ندارد و میخواهد اموال مردمان عوام را بدف زن بدهد و خودش شهوت رانی بکند، و این سخن از این شخص ضد تمدن و محض بد اخلاقی است، و این کس اگر تمدن و تدبیر و اخلاق خوب دارد اولاً باید یک نفر زن عقیقه عقد نماید، از آن فامیلیکه مثل فامیل خودش باشد و بلکه کمتر از خودش زیرا که کسیکه قدرت عقد کردن يك نفر زن را داشته باشد و اقدام بر این کار خوب نکند از تمدن و تدبیر دور و چشم بصیرت او کور است.



چنانکه در کتاب شهاب از حضرت رسول الله (ص) روایت کرده که فرموده تزویج بکن و الا از برادران شیطان میشوی و تزویج بکن و الا از راهبان نصاری میشوی و تزویج بکن زیرا که در تزویج کردن برکت است و عفت تو در عفت زن تو است و اختیار بکنید از برای نطفه خودتان محل خوب وزن عقیقه را نه هر زنا .

و فرموده ارادل مردگان شما آنکسانند که زن نداشته باشند و در حدیث کافی فرموده که هر که تزویج بکند نصف دین خود را حفظ کرده و بعد از تزویج کردن باید شخص متمدن و اهل تدین حمیت و غیرت داشته باشد و چشم خود را بزن خود اندازد و از زنان دیگران اعراض و چشم پوشی نماید و تمدن و حسن اخلاق و تدین در اینست نه در دغلكاری و فاحشه بازی و لواط کری و لوطی کاری زیرا که رسوا کردن پسران و دختران و زنان دیگران و دست درازی به مرض و ناموس مردمان از تمدن و حسن اخلاق بسیار دور است و بلکه محض وحشی گری است و خراب کردن تمدن و ضد تدین و ضایع نمودن اخلاق و بد خلق شدن و فریب دادن اولاد مردمان و فریفته کردن پسران و زنان و دختران عوام و نادان است و شخص متمدن و حسن خلق بمردمان نادان تعلیم خوب رفتاری و خوش کرداری و حفظ عرض و ناموس دیگران میکند نه اینکه خودش ناموس شکن و عرض برباد دهنده میشود .

و اگر کسی بگوید که در آزادی زنان ترقی مملکت و ملت و دولت است پس در جواب گفته می شود که اولاً آنکسانی که این سخن را میگویند مملکت و دولت خواه نیستند و بلکه خود خواه و هوی خواه و شهوت خواه و خود پرست و هوی پرست است و در خیال ترقی دولت و مملکت نبوده و اگر ترقی میخواهد و دولت و مملکت را دوست میدارد ثروتمنی که دارد در راه آسایش مردمان در راهها و کوهها و درست کردن آنها صرف بکند و در اخراج معادن خرج نماید و بعد از این يك اختراع بکند که مردمان آسوده شوند مثل اختراع اروپائیان و ماشین فراهم سازد که فقراء بآسایش برسند و صنایع دستی تبدیل بماشین شود .

و نائیا در زمان خلفاء و سلاطین بنی امیه و بنی عباس و در وقت سلاطین

سفاریان و سامانیان و در سلطنت صفویه و افشاریه در ایران حجاب بوده و زنها آزاد نبوده و ترقیات دولت و مملکت زیادتر از اروپا بود و اهل اروپا بدون حجاب و زندهای آنها آزاد بودند و از آنروزیکه اهالی ایران بر اروپائیان تقلید کردند و هوی پرست و شهوت ران شدند سال بسال ایرانیان تنزل نمودند و پس رفتند و ثروت و قدرت ایشان از دست رفت و صادرات کمتر و واردات زیادتر و مخارج بیشتر و دخل آنها کمتر گردید.

و ثالثاً ترقی دولت و مملکت موقوف است بر جدیت مردان و همت و حمیت مردانگان و زیادتی صناعات و زراعات و اقسام فلاحات و زیاد شدن صادرات و اندک بودن واردات نه بدون حجاب گردیدن زنان و آزاد شدن نسوان و بیحیائی دختران و دغلكاری جوانان و هوی پرستی و شهوت رانی مردمان و تنبل بودن ایشان و تقلید اروپائیان.

و رابعاً دانایان اروپا و فلاسفه و حکماء و پرفسورهای آنها شکایتهای و فریادها و حسرتها از آزادی زنان و بدون حجاب بودن آنان و مخلوط شدن مردان با زنان و نسوان با نامحرمان دارند چنانکه در کتاب بانوی اسلام و در مجلات خودشان بیان کرده اند هر که حقیقت کلام را طلب است رجوع بآنها نماید تا بداند.

و خامساً با وجود آزادی زنان و بیحجاب بودن ایشان و دیدن مردان زنهارا در هر محل و میدان در اروپا و امریکا طلاق و افتراق و در بین زن و شوهرش نفاق و شقاق زیاد تر از ایران واقع میشود چنانکه در بانوی اسلام و در کتابهای دانشمندان و در مجلات و روزنامهجات با اجمال و تفصیل در هر سال بیاب کرده اند پس نباید کوز کورانه تقلید اروپائیان نمود و همه عادات آنها را نیکو شمرد که از تمدن و تدبیر و از دولت خواهی و مملکت دوستی دور و خارج از حسن اخلاق و شعور است و شخص متمدن و متدبیر باید در همه چیز و در جمیع افعال تابع خارجه و پیرو بیکانه نباشد و صلاح دولت و مملکت و ملت را ملاحظه بکند و بعد از آن سخن بگوید و ادعای تمدن و حسن اخلاق ننماید با معصیت کردن و عصیان نمودن بخداوند

عالمیان و متمدن و خوش اخلاق آنکس است که از گناهان و خصوصاً از کبائر آنها اجتناب نماید و بد اخلاقی نکند زیرا که مرتکب شونده بر گناهان کبیره تمدن و تدبیر ندارد و بد اخلاقی او بدتر است و با تمدن و حسن اخلاق ضد و دشمن است و در سوره نساء فرموده ان تجتنبوا کبائر ما تنهون عنه نکفر عنکم سیئاتکم و ندخلکم مدخلا کریماً یعنی اگر شما مردمان دوری بکنید از کبائر و بزرگتر گناهان که شما را از اقدام بر آنها نهی و منع کرده ایم گناهان صغیره و کوچک شمارا میپوشانیم و در خصوص صفاتر بشما سختگیری نمیشود و در عوض اجتناب از کبائر شما را داخل میکنیم بجایگاه آسایش در دنیا و در آخرت و در این آیه اجتناب از کبائر را وصیت فرموده و در حق دوری کنندگان از آنها وعده خوب داده .

و در سوره نجم فرموده : الذین یجتنبون کبائر الائم والفواحش الا اللهم ان ربك و اسع المغفرة یعنی آنکسانی که دوری میکنند از گناهان کبیره و از رسوا کننده آنها مثل زنا و لواط و قمار مگر صفاتر گناهان پس خداوند تو صاحب بخشایش با وسعت است که صغیره ها را عفو می فرماید .

و در کافی و فقیه در حدیث صحیح روایت کرده اند که عمرو بن عبید وارد شد بحضور حضرت صادق (ع) و این آیه را قرائت کرد و ساکت شد آنحضرت فرمود چرا ساکت شدی ؟ عرض کرد میخواهم کبائر گناهان را از قرآن بدانم ! فرمود بلی بزرگتر گناهان شریک قرار دادن بخداوند است .

زیرا که فرموده : و من یشرك بالله فقد حرم الله علیه الجنة .  
و بعد از آن مأیوس شدن از رحمة خداوند زیرا که فرموده : انه لا یاس من روح الله الا القوم الکافرون .

و خاطر جمع بودن از عذاب و غضب خداوند است زیرا که فرموده : فلا یامن مکر الله الا القوم الخاسرون .

و عقوب الوالدین از جهت این که خداوند عاق والدین را در قرآن جبار شقی قرار داده .

و قتل نفس بدون حق زیرا که فرموده: فجزاوه جهنم خالداً فیها .  
و نسبت زنا دادن بر زن و مرد با عفت زیرا که فرموده: لعنوا فی الدنیا و  
الآخرة ولهم عذاب عظیم .

و خوردن مال یتیم با ظلم زیرا که فرموده: انما یا کلون فی بطونهم ناراً .  
و از جهاد و جنگ دشمنان دین گریختن زیرا که فرموده: فقد بآء بغضب من  
الله و مأویه جهنم .

و خوردن رباه که فرموده: الذین یا کلون الربوا لا یقومون الا کما یتوم  
الذی یتخبطه الشیطان من المس .  
و سحر کردن زیرا که فرموده: و لقد علموا لمن اشتراه ماله فی الآخرة  
من خلاق .

و زنا کردن زیرا که فرموده: و من یفعل ذلك یلق اثمآ یضاعف له العذاب  
یوم القیمة و ینخلد فیہ مهانآ .

و قسم دروغ یاد کردن از برای خوردن مال کسی و عهد خداوند را شکستن  
زیرا که فرموده: الذین یشقرون بعهد الله و ایمانهم ثمناً قلیلاً اولئك لا خلاق  
لهم فی الآخرة .

و دزدی کردن از بیت المال مسلمین زیرا که فرموده: و من یفلل یمات بما  
غلّ یوم القیمة .

و ندادن زکوة واجب از جهة اینکه فرموده: فیکوی بها جباههم و جنوبهم  
و ظهورهم .

و شهادت دروغ و کتمان شهادت هر دو زیرا که فرموده: و من ینکتمها  
فانه آثم قلبه .

و خوردن مسکرات زیرا که خداوند نمی فرموده از آنها چنانکه نمی فرموده  
از عبادت کردن بتها یعنی در فرمایش خودش: انما الخمر والمیسر والانصاب  
والازلام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه .

و ترك کردن نماز عمداً و یا ترك چیزی از آنچه خداوند واجب کرده در قرآن زیرا که حضرت رسول الله (ص) فرموده هر که نماز را ترك کند با عمد و قصد پس آنکس برمی شده از خداوند و از پیغمبر او (ص) و قطع رحم و صلۀ ارحام را ترك کردن زیرا که فرموده: **اولئك لهم اللعنة و لهم سوء الدار**.

و بعد از آن عمرو بن عبید از حضور آنحضرت بیرون شد و میگفت هلاک شده آنکسیکه در دین خداوند با رأی خود چیزی گفته و یا کسی که با شما در فضل و علم نزاع کرده و از فرمایش آنحضرت که فرمود آیا ترك چیزی از آنچه خداوند واجب کرده معلوم میشود که ترك هر یکی از واجبات قرآن گناه کبیره است و آنچه در بعضی احادیث وارد شده که آنها هفت است پس مراد از آن هفت اکبر کبائر است.

چنانکه در کافی روایت کرده که اکبر کبائر شریک قرار دادن است بخداوند و در تهذیب از ابو صامت روایت کرده که حضرت صادق (ع) فرمود که اکبر کبائر هفت است: بخداوند شریک قرار دادن و قتل نفس بدون حق، و خوردن مال یتیم، و عاق والدین و نسبت زنا و لواط با صاحبان عفت دادن و از جهاد فرار کردن و انکار نمودن آنچه خداوند در قرآن نازل فرموده.

و در کافی از زرارة روایت نموده که حضرت باقر (ع) فرمود که همه گناهان شدید است و اشد آنها آن گناه است که از آن گوشت و خون روئیده شود زیرا که گناه کار یا از او عفو خواهد شد و یا بر او عذاب خواهد گردید و جنت محلّ پاك و پاکیزه است و داخل نمیشود بر آن مگر جسد پاك از گوشت و خون حرام.

و در وافی فرموده مراد از گناه که از آن گوشت حرام روئیده خوردن مال یتیم و رباه و مسکرات است و یا اصرار کردن بیک گناه است که در آن مدت گوشت و خون در بدن روئیده باشد هر چندی که بخوردن حرام نباشد (تمام شد در مابیش آن مرحوم).

و از این حدیث معلوم شد که گناهی که باعث گوشت حرام باشد یا صاحب

آندر عذاب خواهد شد و یا از او عفو خواهد گردید و در فرض عفو شدن باز داخل جنت نخواهد شد زیرا که در بدن او گوشت حرام روئیده و گوشت حرام لایق جنت نیست و از همه احادیث ظاهر میشود که ترك واجبات و مرتکب شدن بر محرّمات از گناهان کبیره است و اکبر آنها هفت است که اکبر کبائر است و اما گناهان صغیره که در آیه سوره نساء بر آنها سیئات و در آیه سوره نجم بر آنها لم اطلاق و تعبیر شده پس آنها منحصر است بمکروهات که در احادیث از آنها نیز نهی گردیده نه اینکه مراد از کبائر و صغائر بالنسبه باشد.

چنانکه بعضی علماء فرموده زیرا که لازم میاید که بریدن دست و یا پای یک نفر گناه صغیره شود نسبت بقتل او و آن صغیره نیز عفو شده باشد بنا بوعده خداوند در آیات و لازم میشود بوسیدن زندبگری و نشستن در میان رانهای زن نامحرم صغیره شود نسبت بزنا کردن با او و آن نیز عفو شود و اینطور نیست و از واضحات است که این را احدی از علماء قائل نشده و اما علت حرمت کبائر و فواحش پس از جهة اینست که مرتکب شونده بر آنها یا بحقوق خداوند تجاوز و تعدی میکند و کفران نعمت خالق و بنده بودن خود را انکار مینماید و یا اینکه بحق مخلوق و اشخاص دیگر تعدی و دست درازی میکند و حق کسی را ضایع و باطل مینماید و هر دو قسم از این گناهان با تمدن و تدبیر و حسن خلق و خوش رفتاری منافات دارد و ضدّ است و هر فعل و کرداری که منافای تمدن و حسن اخلاق باشد در شرع انور حرام و باعث عذاب و عقاب و عتاب است پس شخص متمدن و صاحب اخلاق خوب و اوصاف مرغوب باید از این دو نوع گناهان پرهیز و حذر و اجتناب و دوری نماید و الا متمدن و متدبیر و حسن خلق نمیشود و صاحب شرع مقدس از این کبائر نهی فرموده تا اینکه مردمان تمدن و حسن خلق داشته باشند و بدون اجتناب از اینها حسن خلق و تمدن نمیشود.

و تمام شد در ساعت ششم از روز ششم از دهه سیم از ماه ششم از سال دوم از عشره ششم از صد چهارم از هزار دویم از هجرت  
نبوی صلی الله علیه و آله

## فهرست طریقی یقین

- ۳ مقدمه و سبب تألیف کتاب
- ۵ ذکر آیات داله بر لزوم دینداری
- ۸ در اینکه خون ریزیها و فتنه ها در اثر خواهشهای نفس است
- ۹ در لزوم شاه دوستی و اینکه پادشاه عادل ظلّ الله است
- ۱۱ در اینکه شخص متدین شاه دوست و وطن دوست میگردد
- ۱۲ تعیین دین حق با آیات کتاب الله المبین
- ۱۳ خطبه امیرالمؤمنین (ع) در تعیین مسلمان واقعی
- ۱۴ افضل مردمان . بهترین اخلاق ، حقیقت ایمان
- ۱۴ کلمات قصار پیغمبر خدا (ص) در مکارم اخلاق بشری
- ۱۹ فرمایشات و کلمات قصار امیرالمؤمنین (ع) در مکارم اخلاق
- ۲۳ فضیلت تقوی و پرهیزکاری از معاصی است
- ۲۶ ذکر چند حکم از احکام اسلام - اولی اجتناب از خمر و میسر و ازلام
- ۲۷ نهی از شرک و کشتن اولاد از بیم فقر و نهی از نزدیکی بفواحش
- ۲۸ عدالت در کیله کردن، اعتدال در گفتار، گفتار حق، مخالفت شیطان
- ۲۹ نهی از تبذیر، افراط در بخشش ، نهی از زنا و کشتن مظلوم
- ۳۰ تبختر در مشی ، نهی از لواط ، حلیت طیبات و تحریم خبائث
- ۳۱ انفاق در سراء و ضراء و کظم غیظ
- ۳۲ احسان پیدر و مادر و ذوی القربی ویتامی و مساکین و ابن السبیل
- ۳۳ نهی از استخفاف مؤمن، و گمان بد بردن بمؤمنین
- ۳۴ در اینکه مؤمنین برادرند
- ۳۵ در اینکه اروپائیان تمدن را نیاورده اند بلکه اسلام مقدم بوده

|    |                                           |
|----|-------------------------------------------|
| ۳۷ | مذمت و نکوهش زنان غیر صالحه               |
| ۳۹ | تنقید و تو بیخ زنان و مردان بی عفت و عصمت |
| ۴۱ | فضیلت تزویج زن مؤمنه و معنای آزادی زنان   |
| ۴۳ | معنی آزادی زنان بقول اروپائیان و فساد آن  |
| ۴۴ | گناهان کبیره و تعداد و شماره آنها         |
| ۴۶ | خاتمه کتاب شریف                           |